

مقدمه ناشر

سلام

این مقدمه را که می‌خواستم شروع کنم، یک لحظه از فکرم گذشت به جای سلام بگویم Hello! و کل مقدمه را به زبان انگلیسی بنویسم. اما خب، به چند دلیل ... منصرف شدم.

شما، خوانندگان این کتاب، سری اولی هستید که از سال ششم دبستان، نظام آموزشی جدید را تجربه کرده‌اید. از همان سال هفتم که درس انگلیسی را شروع کردید با کتاب‌هایی روبه‌رو شدید که رویکرد آموزشی‌شان با کتاب‌های قبلی فرق می‌کرد؛ آموزش زبان با روش CLT که تمرکز اصلی‌اش بر واژگان و درک متن بود و دیگر قرار نبود دانش‌آموز درگیر یادگیری گرامر و دستورزبان شود.

هدف و ادعای اولیه این بود که دانش‌آموز طی این شش سال، بتواند متن انگلیسی را بخواند، تا حدی گفتار روزمره را بفهمد، تا حدی بتواند آن‌چه را که می‌خواهد، بنویسد و کمی هم بتواند آن‌چه را که می‌خواهد بگوید.

نمی‌دانم شما که دارید این مقدمه را می‌خوانید با خواندن و یادگیری درس انگلیسی‌تان (البته به شرطی که از کلاس‌های زبان خارج از مدرسه استفاده نکرده باشید) چه قدر از مهارت‌های بالا را به دست آورده‌اید.

امیدوارم (و خیلی دوست دارم) که آن هدف و ادعاهای اولیه نتیجه داده باشد و ما امسال دانش‌آموزان سال دوازدهمی‌ای داشته باشیم که می‌توانند انگلیسی بخوانند، بفهمند، بنویسند و حرف بزنند. اگر که این‌طور است که خیلی خوب و اگر هم نیست نگران نباشید، آقای حسن بلند مؤلف خوب این کتاب، هر چه را که برای یادگیری انگلیسی دوازدهم لازم دارید، تمام و کمال برایتان نوشته است. بخوانید و یاد بگیرید تا در آخر مقدمه بعدی که برایتان می‌نویسم بگویم:

sincerely yours!

مقدمه مؤلف

به نام آن که جان را فکرت آموخت...

کتابی که همین الان داری مُقدمش رو می‌خونی طوری طراحی شده که بعد از خوندن درس‌نامه و کلاس خصوصیش بتونی اون درس رو خوب یاد بگیری و با مرور سؤال‌های متنوعش، از پس انواع سؤال‌های امتحانی بریایی و در آخر هم با پاسخ‌دادن به آزمون‌هاش، امتحان برات آسون بشه.

هر درس شامل درس‌نامه، کلاس خصوصی، نمونه سؤال امتحانی و پاسخ‌نامه کاملاً تشریحیه. واضح‌تر بخوام بگم بخش‌های مختلف هر درس، به ترتیب به صورت زیره:

(A) واژگان: در این بخش، لغات مهم درس به همراه مثالی از کتاب به صورت الفبایی لیست شده. بعد از لیست واژگان، جدول طبقه‌بندی لغات، لیست کامل هم‌نشین‌ها، تعریف‌ها، مترادف و متضاد و کلاس خصوصی، سؤال‌های واژگان به صورتی طراحی شده تا انواع سؤال‌های امتحانی رو پوشش بده،

(B) گرامر: بعد از آموزش گرامر درس، ایستگاه ارزیابی و کلاس خصوصی، انواع سؤال‌های امتحانی ارائه شده،

(C) مکالمه: علاوه بر ترجمه مکالمه درس، نمونه سؤال‌های متنوعی نیز برای اون طرح شده.

(D) خواندن: در کلاس خصوصی درس اول نحوه پاسخ‌دادن به سؤال‌های درک مطلب با ذکر چند مثال به طور کامل توضیح داده شده. برای متن درک مطلب کتاب درسی، سؤال‌های متنوعی طرح شده و بعد از اون سه متن درک مطلب هماهنگ کشوری و یک متن کلوز مرتبط با موضوع متن درک مطلب کتاب آورده شده است.

(E) نگارش: در ابتدا نگارش درس آموزش داده شده و سپس بعد از یه کلاس خصوصی نگارش، سؤال‌های متنوعی برای اون آورده شده،
(F) شنیداری: در کلاس خصوصی درس اول، انواع سؤال‌های شنیداری با ذکر چند مثال به طور کامل بررسی و توضیح داده شده و برای هر درس، چند نمونه سؤال هماهنگ کشوری آورده شده.

ایستگاه ارزیابی گرامر: برای این‌که بدونین آمادگی کافی برای حل سؤال‌های گرامر رو دارین یا نه، یکی دوتا ایستگاه تمرین آموزشی برای هر گرامر گذاشتیم.

کلاس خصوصی: بعد از آموزش کامل هر بخش، یه کلاس خصوصی واستون گذاشتم و سعی کردم در کلاس به زبانی ساده و گفتاری شما را با انواع سؤال‌هایی که در امتحان میاد آشنا کنم و قلیق‌ها و نحوه پاسخ‌دادن به اونا رو بهتون درس بدم.
پاسخ‌نامه تشریحی: به تمام سؤال‌های درس به صورت کاملاً تشریحی پاسخ داده شده.

خلاصه درس‌ها: در ابتدای کتاب، خلاصه گرامر و نگارش به همراه لغات مهم کتاب دهم و یازدهم و در انتهای کتاب نیز خلاصه گرامر و نگارش به همراه لغات مهم کل کتاب دوازدهم ارائه شده.

آزمون‌ها: دو آزمون نیم‌سال اول (درس اول / تا اول نگارش درس دوم) و ۴ نمونه سؤال امتحان نهایی هماهنگ کشوری ارائه شده.

توجه: تمام سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری که تاکنون برگزار شده، در این کتاب پوشش داده شده است.

از تمام دوستانی که در به ثمر رساندن این کتاب همکاری داشته‌اند تشکر و قدردانی می‌کنم.

آرزومند سربلندی شما خوبان

حسن بلند



	درس سوم:	۷	Summary / واژگان کتاب دهم و یازدهم و خلاصه گرامر و نگارش کتاب دهم و یازدهم
۱۴۱	Renewable Energy / انرژی تجدیدپذیر	۱۲	
۱۴۱	■ واژگان (A.Vocabulary)		
۱۴۹	کلاس خصوصی واژگان	۱۸	درس اول:
۱۵۴	نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان	۱۸	Sense of Appreciation / حس قدردانی
۱۶۰	■ گرامر (B.Grammar)	۲۳	■ واژگان (A.Vocabulary)
۱۶۴	کلاس خصوصی گرامر	۲۷	کلاس خصوصی واژگان
۱۶۸	نمونه سؤال‌های امتحانی گرامر	۳۱	نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان
۱۷۲	■ مکالمه (C.Conversation)	۳۷	■ گرامر (B.Grammar)
۱۷۳	■ خواندن (D.Reading)	۴۲	کلاس خصوصی گرامر
۱۷۵	کلاس خصوصی خواندن	۴۷	نمونه سؤال‌های امتحانی گرامر
۱۷۵	نمونه سؤال‌های امتحانی خواندن	۴۸	■ مکالمه (C.Conversation)
۱۷۷	■ نگارش (E.Writing)	۴۹	■ خواندن (D.Reading)
۱۷۸	کلاس خصوصی نگارش	۵۳	کلاس خصوصی خواندن
۱۸۱	نمونه سؤال‌های امتحانی نگارش	۵۵	نمونه سؤال‌های امتحانی خواندن
۱۸۳	■ شنیداری (F.Listening)	۵۶	■ نگارش (E.Writing)
۱۸۳	نمونه سؤال‌های امتحانی شنیداری	۵۷	کلاس خصوصی نگارش
۱۸۶	پاسخ‌نامه تشریحی	۶۰	نمونه سؤال‌های امتحانی نگارش
		۶۰	■ شنیداری (F.Listening)
۲۰۳	جدول افعال بی‌قاعده	۶۰	کلاس خصوصی شنیداری
	خلاصه درس‌ها	۶۲	نمونه سؤال‌های امتحانی شنیداری
۲۰۸	■ خلاصه گرامر	۶۴	پاسخ‌نامه تشریحی
۲۱۰	■ خلاصه نگارش		
۲۱۲	■ خلاصه واژگان	۷۸	درس دوم:
	سؤال‌ها	۷۸	Look it up / آن را پیدا کن (در فرهنگ لغت)
۲۱۶	امتحان شماره ۱: نمونه‌امتحان نیم‌سال اول	۸۵	■ واژگان (A.Vocabulary)
۲۲۱	پاسخ‌نامه تشریحی امتحان شماره ۱	۹۱	کلاس خصوصی واژگان
۲۲۴	امتحان شماره ۲: نمونه‌امتحان نیم‌سال اول	۹۵	نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان
۲۲۸	پاسخ‌نامه تشریحی امتحان شماره ۲	۱۰۱	■ گرامر (B.Grammar)
۲۳۱	امتحان شماره ۳: امتحان نهایی خرداد ماه ۱۴۰۱	۱۰۷	کلاس خصوصی گرامر
۲۳۶	پاسخ‌نامه تشریحی امتحان شماره ۳	۱۱۴	نمونه سؤال‌های امتحانی گرامر
۲۳۹	امتحان شماره ۴: امتحان نهایی خرداد ماه ۱۴۰۰	۱۱۵	■ مکالمه (C.Conversation)
۲۴۴	پاسخ‌نامه تشریحی امتحان شماره ۴	۱۱۶	■ خواندن (D.Reading)
۲۴۷	امتحان شماره ۵: امتحان نهایی شهریور ماه ۱۴۰۰	۱۱۶	کلاس خصوصی خواندن
۲۵۲	پاسخ‌نامه تشریحی امتحان شماره ۵	۱۱۷	نمونه سؤال‌های امتحانی خواندن
۲۵۵	امتحان شماره ۶: امتحان نهایی دی ماه ۱۴۰۰	۱۱۹	■ نگارش (E.Writing)
۲۶۰	پاسخ‌نامه تشریحی امتحان شماره ۶	۱۲۰	کلاس خصوصی نگارش
		۱۲۱	نمونه سؤال‌های امتحانی نگارش
		۱۲۳	■ شنیداری (F.Listening)
		۱۲۳	نمونه سؤال‌های امتحانی شنیداری
		۱۲۵	پاسخ‌نامه تشریحی

a few	تعداد کمی	as	چون، زیرا، به عنوان	boring	کسل کننده، خسته کننده
a number of	تعدادی، چند، چندتا	ashamed	شرمنده	borrow	قرض گرفتن
ability	توانایی	at last	سرانجام، بالاخره	both	هر دو
abroad	به خارج، در خارج	at once	فوراً، بلافاصله	both ... and ...	هم ... و هم ...
absolutely	قطعاً، حتماً	at the moment	در حال حاضر، الان	bow	تعظیم کردن
accept	پذیرفتن، قبول کردن	at the same time	به طور هم‌زمان، در یک زمان	brain	مغز
access	دستیابی، دسترسی	attack	حمله کردن (به)	brave	شجاع
have access to	دسترسی داشتن به	attempt	۱- تلاش ۲- تلاش کردن	bravely	شجاعانه، با شهامت
according to	طبق، بنابر	attend	شرکت کردن در، رفتن به	build	ساختن
across	از وسط، از این طرف به آن طرف	attitude	نگرش، طرز فکر	burning	شعله‌ور، آتش گرفته
actual	واقعی	attract	جذب کردن، جلب کردن	business	کار، تجارت
add	اضافه کردن، افزودن	attraction	جاذبه	calligraphy	خطاطی، خوشنویسی
addict	معتاد	attractive	جالب، جذاب	calm	آرام
addiction	اعتیاد	available	موجود، در دسترس	calorie	کالری
afraid	ترسیده	avoid	اجتناب کردن از، جلوگیری کردن از	camel	شتر
be afraid of	ترسیدن از	baggage	(در سفر) بار، چمدان	camera	دوربین
against	در برابر، (بر) علیه	balanced	متعادل	carry	حمل کردن
head	۱- در پیش، پیش رو ۲- جلو ۳- سر	be after	دنبال ... بودن	cause	باعث ... شدن
airplane	هواپیما	be careful about	مواظب ... بودن، مراقب ... بودن	cell	سلول
alike	شبيه (به هم)، مثل هم	be located	قرار داشتن، بودن، واقع شدن	century	قرن
alive	زنده	bear	خرس	certainly	مطمئناً، قطعاً، یقیناً
alone	تنها، به تنهایی	beauty	زیبایی، قشنگی	cheaply	ارزان، به قیمت ارزان
amazed	حیرت‌زده، شگفت‌زده	beginner	مبتدی، تازه کار، نوآموز	cheerful	شاد، خوشحال
amazing	حیرت‌انگیز، شگفت‌آور	behave	رفتار کردن	cheetah	یوزپلنگ
among	۱- از جمله ۲- در بین	behavior	رفتار	choice	۱- انتخاب ۲- حق انتخاب
amount	مقدار، میزان	Belgium	بلژیک	clear	۱- [آب] زلال، صاف ۲- تمیز کردن
amused	سرگرم	belief	اعتقاد، عقیده، ایمان	close	نزدیک
ancient	باستانی، قدیمی	believe	باور داشتن، ایمان داشتن	clothing	لباس، پوشاک
ant	مورچه	besides	علاوه بر، گذشته از	cloudy	ابری
anymore	دیگر	billion	میلیارد	coffee	قهوه
appreciate	ارزش ... را دانستن	bird	پرنده	collect	۱- جمع کردن ۲- جمع‌آوری کردن
area	منطقه، ناحیه	blood	خون	collection	مجموعه
arrive	۱- آمدن ۲- رسیدن	blood pressure	فشار خون	combination	ترکیب
art	هنر	take somebody's blood pressure		come in	وارد شدن
artifact	شیء دست‌ساز قدیمی		فشار خون کسی را گرفتن	comfortable	راحت، آسوده
artist	هنرمند	boat	قایق	common	رایج، متداول
artwork	اثر هنری	booklet	کتابچه، دفترچه	communicate	ارتباط برقرار کردن
as well	هم، نیز	bookstore	کتاب‌فروشی	communication	ارتباط

while	۱- هنگامی که ۲- در حالی که	value	۱- ارزش ۲- ارزش قائل شدن برای	true	۱- واقعی ۲- درست، صحیح
white cell	گلبول سفید	various	مختلف، متنوع	truth	حقیقت، واقعیت
wide	۱- گسترده، وسیع ۲- عریض، پهن	vary	تفاوت داشتن	turn round	برگشتن، چرخیدن
wild	وحشی	vast	۱- پهناور ۲- زیاد	type	۱- نوع ۲- تایپ کردن
wildlife	حیات وحش	vegetable	(در جمع) سبزیجات	ugly	زشت
wind tower	بادگیر	video game	بازی کامپیوتری	uncertain	نامطمئن، دودل
without	بدون	visitor	بازدیدکننده	under	زیر
wolf	گرگ	voluntary	داوطلبانه، اختیاری	unfortunately	متأسفانه
wonder	شگفتی، تعجب	wait	صبر کردن، منتظر بودن	unhappy	ناراحت
workshop	کارگاه	watch	۱- ساعت مچی ۲- تماشا کردن	unhealthy	ناسالم، مضر
world	جهان	watch out	مراقب بودن	unique	منحصربه فرد
worse	بدتر	way	۱- راه، روش ۲- راه، جاده	university	دانشگاه
worst	بدترین	weak	ضعیف	until	تا، تا وقتی که
worthy	سزاوار، لایق، شایسته	weave	بافتن	useful	مفید، سودمند
wrongly	به اشتباه، اشتباهی	well-known	شناخته شده، معروف	usual	عادی، معمولی
yet	هنوز	wellness	سلامت، بهداشت	vacation	تعطیلات
zebra	گورخر	whale	وال، نهنگ	vacuum cleaner	جاروبرقی
zookeeper	مأمور باغ وحش	whenever	هر وقت (که)، هر موقع (که)	valuable	بازارز

خلاصه گرامر و نگارش کتاب دهم و یازدهم

اسم

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن اشخاص (soldier)، حیوانات (lion)، مکان‌ها (hospital)، اشیا (train) و ایده‌ها (danger) به کار می‌ره.

اسم مفرد و جمع

چنانچه اسم مفرد یا صفت قبل از آن با صامت یا حروف بی‌صدا شروع شده باشد، از a و چنانچه با مصوت یا حروف صدادار شروع شده باشد، از an قبل از آن استفاده کنیم. حواستون باشه university و European با صامت (ی = j) و hour با مصوت (ا = a) شروع میشه.

an apple / a red apple / an umbrella / a university / an egg / a European country / a house / an hour

برای جمع بستن اسم، به آخر آن s یا es اضافه کنیم. برخی از اسم‌ها هم شکل جمع بی‌قاعده دارن.

book → books / bus → buses / wolf → wolves / mouse → mice / sheep → sheep

اسم عام و خاص

اسم عام اسمی است که برای همه افراد، اشیا و ... هم جنس به کار می‌ره. مثل: mountain / city / girl / language / month / planet

اسم خاص اسمی است که فقط برای یک شخص، چیز و غیره به کار می‌ره و با حرف بزرگ شروع میشه مثل:

Everest / Qom / Kate / Arabic / July / Mars

اسم قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسامی قابل شمارش (cup, cups, man, men, ...) شکل مفرد و جمع داره و با فعل مفرد (is, was, ...) و جمع (are, were, ...) به کار می‌ره.

اسامی غیرقابل شمارش (milk, juice, food, sugar, bread, rice, meat, ...) فقط شکل مفرد داره و با فعل مفرد (is, was, ...) به کار می‌ره.

There is an apple on the table. There are some apples on the table. There is some water in the bottle.

بعد از a lot of, a little, some, lots of, few, a few, many, How many و اعداد بیش از یک، اسم قابل شمارش جمع با فعل جمع میاد. ولی

بعد از a lot of, a little, some, lots of, a little, much و How much اسم غیرقابل شمارش که همیشه به صورت مفرد با فعل مفرد میاد.

از How much برای پرسیدن قیمت، هم با اسامی قابل شمارش مفرد و جمع و هم با اسامی غیرقابل شمارش استفاده میشه.

How much is this car / the meat? How much does this car / the meat cost? How much are these pens?

اسامی غیرقابل شمارش، جمع بسته نمی‌شن ولی برای شمردن اونا می‌تونین از واحدها استفاده کنین:

a loaf of bread - four slices of cake - a piece of paper - a bottle of water - some bags of rice - two cups of tea

	ضمایر فاعلی	ضمایر مفعولی	صفات ملکی	ضمایر self				
مفرد	I	من	me	به من، مرا	my	م، - من	myself	خودم
	You	تو	you	به تو، تو را	your	ت، - تو	yourself	خودت
	He	او (مذکر)	him	به او، او را	his	ش، - او	himself	خودش
	She	او (مؤنث)	her	به او، او را	her	ش، - او	herself	خودش
	It	آن	it	به آن، آن را	its	ش، - آن	itself	خودش
جمع	We	ما	us	به ما، ما را	our	مان، - ما	ourselves	خودمان
	You	شما	you	به شما، شما را	your	تان، - شما	yourselves	خودتان
	They	آن‌ها	them	به آن‌ها، آن‌ها را	their	شان، - آن‌ها	themselves	خودشان

ضمایر فاعلی یا فاعل، انجام‌دهنده عملی است و در ابتدای جمله، قبل از فعل می‌آید.

ضمایر مفعولی یا مفعول کلمه‌ای است که عملی بر روی او انجام شده و بعد از فعل اصلی یا حرف اضافه می‌آید.

My sister (she) helped Javad (him).

فواهرم (او) به پیواد (به او) کمک کرد.

فاعل فعل مفعول

ضمایر تأکیدی برای تأکید بر روی فاعل بعد از فاعل یا بعد از مفعول به کار می‌روند. ضمیر تأکیدی باید از جنس فاعل باشد.

He himself made dinner. = He made dinner himself.

او خودش شام درست کرد.

فاعل مفعول

ضمایر انعکاسی بعد از فعل یا بعد از حرف اضافه به کار می‌روند. در این حالت فاعل و مفعول یکی هستند. ضمیر انعکاسی باید از جنس فاعل باشد.

She made herself dinner. = She made dinner for herself.

او برای خودش شام درست کرد.

فعل

حرف اضافه

صفت

صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند و قبل از اسم یا بعد از فعل ربطی (to be / get / become / look / feel ...) به کار می‌رود.

He has an Italian car. His car is expensive.

او یک ماشین ایتالیایی دارد. ماشینش گران‌قیمت است.

صفت فعل ربطی اسم صفت

مقایسه صفات

صفات باقاعده:

معنی	صفت بیش از یک بخشی	صفت یک بخشی یا دو بخشی مختوم به y	نوع صفت
سخت	difficult	hard	صفت ساده
به سختی	as difficult as	as hard as	صفت تساوی
سخت‌تر (از)	more difficult (than)	harder (than)	صفت تفضیلی
سخت‌ترین	the most difficult	the hardest	صفت عالی

صفات بی‌قاعدگی:

زیاد	many / much	کم	little	دور	far	بد	bad	خوب	good	صفت ساده
به اندازه	as many / much as	به کمی	as little as	به دوری	as far as	به بدی	as bad as	به خوبی	as good as	صفت تساوی
بیشتر	more	کم‌تر	less	دورتر	farther	بدتر	worse	بهرتر	better	صفت تفضیلی
بیشترین	the most	کم‌ترین	the least	دورترین	the farthest	بدترین	the worst	بهرترین	the best	صفت عالی

ترتیب صفات قبل از اسم:

اسم	جنس	ملیت	رنگ	سن	اندازه	ایده و کیفیت	معرف
tables	wooden	French	white	old	small	cheap	two
soldiers		Italian		young	tall	brave	some
carpet	silk	Persian	red	new	large	lovely	a



A Vocabulary

A.D. (Anno Domini) /,et 'di:/ *abbr*

بعد از میلاد، میلادی (بعد از میلاد مسیح)
Hafez was born between the years 1310 and 1337 A.D.
ماخظ بین سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۳۷ میلادی متولد شد.

accidentally /,æksɪ'dentəli/ *adv* اتفاقی، برحسب تصادف
He accidentally broke the window. او اتفاقی پنجره را شکست.

add /æd/ *v* اضافه کردن، افزودن
Add your name to the list. نامت را به لیست اضافه کن.

again and again بارها، به کرات
He asked me the same question again and again.
او بارها همان سؤال را از من پرسید.

aloud /ə'laʊd/ *adv* [صدای بلند، با صدای بلند
He started reading it aloud. او با صدای بلند شروع به خواندن آن کرد.

appreciation /ə,pri:'fi'eɪʃən/ *n* قدردانی، تقدیر، سپاس
I gave her some flowers to show my appreciation.
من به او تعدادی گل دادم تا قدردانی‌ام را نشان بدهم.

author /'ɔ:θə \$ 'a:θər/ *n* نویسنده
Who is your favorite author? نویسنده مورد علاقه شما کیست؟

be born /bi bɔ:n \$ bɔ:rn/ *v* متولد شدن
Ferdowsi was born in a village near Toos.
فردوسی در یک روستا نزدیک توس متولد شد.

be hard of hearing گوش (کسی) سنگین بودن
Are you hard of hearing? آیا گوشه‌ت سنگین است؟

be known as به عنوان ... معروف بودن، به عنوان ... شناخته شدن
He is known as a great poet. او به عنوان یک شاعر بزرگ معروف است.

be remembered for sth به خاطر ... معروف بودن، به خاطر ... در یادها ماندن
Hafez is mostly remembered for his Ghazal.
ماخظ بیشتر به خاطر غزلش معروف است.

belong /brɪ'lɒŋ \$ brɪ'la:ŋ/ *v* تعلق داشتن (به)، متعلق بودن (به)
That bike belongs to my sister. آن دوچرخه متعلق به خواهرم است.

belonging /brɪ'la:ŋɪŋ/ *n* تعلق، وابستگی
It's important to have a sense of belonging.
مهم است که احساس تعلق (تعلق خاطر) داشته باشی.

birth /'bɜ:θ \$ 'bɜ:rθ/ *n* تولد، میلاد
What's your date of birth? تاریخ تولد شما چیست؟

blessing /'blesɪŋ/ *n* نعمت، موهبت
Our parents are our blessing. والدینمان موهبت ما هستند.

boost /bu:st/ *v* زیاد کردن، افزایش دادن، تقویت کردن
Kindness boosts energy. مهربان‌ترشی را افزایش می‌دهد.

bring up /brɪŋ 'ʌp/ *phr v* [کودک] بزرگ کردن، تربیت کردن
She was brought up by her grandmother.
او توسط مادربزرگش بزرگ شد.

burst /bɜ:st \$ bɜ:rst/ *v* منفجر شدن، ترکیدن
Aida burst into tears when she saw her score.
آیدا وقتی نمره‌اش را دید، زد زیر گریه.

by accident /baɪ 'æksɪdənt/ *adv*

اتفاقی، تصادفی

Some inventions were created by accident.

برخی از اختراعات تصادفی به وجود آمدند.

by heart /baɪ ha:t \$ ha:rt/ *adv*

از حفظ، از بر

I know that poem by heart.

من آن شعر را از حفظ بلدم.

learn by heart

حفظ کردن، از بر کردن

Hafez learned the Holy Quran by heart.

حافظ قرآن مفید را حفظ کرد.

by the way

راستی

By the way, I got an e-mail from Tom yesterday.

راستی، دیروز یک ایمیل از تام دریافت کردم.

calmly /'kɑ:mli/ *adv*

آرام، به آرامی

He always speaks calmly.

او همیشه به آرامی صحبت می‌کند.

cancer /'kænsə \$ -ər/ *n*

(پزشکی) سرطان

Doctors have made a new medicine to cure cancer.

پزشکان برای درمان سرطان داروی جدیدی ساخته‌اند.

۱- اهمیت دادن، ناراحت شدن ۲- توجه، مراقبت **care** /keə \$ ker/ *v, n*

I don't care about the money.

من به پول اهمیت نمی‌دهم.

مراقبت کردن از، مواظبت کردن از **care for** /'keə fɔ: \$ 'ker fɔ:r/ *phr v*

We must care for our parents.

ما باید از والدینمان مراقبت کنیم.

catch /kætʃ/ *v*

۱- [بیماری] مبتلا شدن به

۲- [قطار و غیره] رسیدن به، گرفتن

She has caught a terrible flu.

او به آنفلوآنزای شریبی مبتلا شده است.

childhood /'tʃaɪldhʊd/ *n*

(دوران) کودکی، (دوران) بچگی

In his childhood, he received religious education.

او در کودکی اش آموزش دینی دید.

Christ /kraɪst/ *n*

مسیح، عیسی مسیح

Jesus Christ was a prophet.

عیسی مسیح پیامبر بود.

close /klaʊs \$ kləʊs/ *adj*

۱- صمیمی ۲- نزدیک

John and I are close friends.

من و جان دوستان صمیمی هستیم.

countless /'kaʊntləs/ *adj*

بی‌شمار، بی‌اندازه، بسیار زیاد

His book has been translated into countless languages.

کتابش به زبان‌های بی‌شماری ترجمه شده است.

dedicated /'dedɪkətəd/ *adj*

متعهد، پایبند

Mr. Smith is a dedicated teacher.

آقای اسمیت یک معلم متعهد است.

develop /dɪ'veləp/ *v*

۱- تولید کردن ۲- توسعه دادن

Many products are developed each year.

هر ساله کالاهای زیادی تولید می‌شود.

diary /'daɪəri/ *n*

دفتر خاطرات، دفتر یادداشت

I have kept my diary for twelve years.

من به مدت دوازده سال دفتر خاطراتم را نوشته‌ام.

diploma /dɪ'pləʊmə \$ -'pləʊ-/ *n*

دیپلم، مدرک تحصیلی

He's received his high school diploma recently.

او اخیراً دیپلم دبیرستانش را دریافت کرده است.

discover /dɪs'kʌvə \$ -ər/ *v*

کشف کردن

Alexander Fleming discovered penicillin.

الکساندر فلمینگ پنی سیلین را کشف کرد.

dishwasher /'dɪʃ,wɒʃə \$ -wɔ:ʃər/ *n*

ماشین ظرف‌شویی

Who has invented the dishwasher?

چه کسی ماشین ظرف‌شویی را اختراع کرده است؟

distinguished /dɪ'stɪŋgwɪʃt/ *adj*

معروف، مشهور، برجسته

He was known as a distinguished university professor.

او به عنوان استاد برجسته دانشگاه معروف بود.

either ... or ... /'aɪðə \$ 'i:ðər/ *conj*

یا ... یا ...

I will either write a letter or call.

من یا نامه فوادم نوشت یا تلفن فوادم زد.

elder /'eldə \$ -ər/ *adj, n*

بزرگ‌تر

My parents taught me to respect my elders.

والدینم به من یاد دادند که به بزرگ‌ترهایم احترام بگذارم.

elderly /'eldəli \$ 'eldərli/ *adj*

مسن، سالخورده

His parents are quite elderly.

والدینش کاملاً مسن هستند.

energy /'enədʒi \$ -ər-/ *n*

انرژی

Children are usually full of energy.

کودکان معمولاً سرشار از انرژی هستند.

enjoyable /ɪn'dʒɔɪəbəl/ *adj*

لذت‌بخش، دلپذیر، خوشایند

We had a very enjoyable afternoon.

ما بعدازظهر بسیار دلپذیری داشتیم.

ethic /'eθɪk/ *n*

اخلاق، (در جمع) اصول اخلاقی

Emotions and ethics are used in Ghazals a lot.

احساسات و اصول اخلاقی در غزل‌ها زیاد استفاده می‌شوند.

feed /fi:d/ *v*

غذا دادن به

Have you fed the cats this morning?

آیا امروز صبح به گربه‌ها غذا داده‌ای؟

for instance

مثلاً، برای مثال

Penicillin, for instance, was discovered quite accidentally.

برای مثال پنی سیلین کاملاً اتفاقی کشف شد.

forgive /fə'gɪv \$ fər-/ *v*

بخشیدن، عفو کردن

Mom forgave me for breaking the vase.

مامان به خاطر شکستن گلدان من را بخشید.

found /faʊnd/ *v*

تأسیس کردن، بنیان نهادن

This center was founded by Dr. Gharib.

این مرکز توسط دکتر قریب تأسیس شد.

function /'fʌŋkʃən/ *n*

کارکرد، عملکرد، نقش

Taking care of grandchildren increases brain function.

مراقبت کردن از نوه‌ها عملکرد مغز را افزایش می‌دهد.

generation /,dʒenə'reɪʃən/ *n*

نسل

This photo shows three generations of my family.

این عکس، سه نسل از خانواده‌ام را نشان می‌دهد.

wisdom /'wɪzdəm/ *n*

خرد، خردمندی، عقل

Elders have more knowledge and wisdom than us.

بزرگ‌ترها دانش و خرد بیشتری نسبت به ما دارند.

worth /wɜːθ \$ wɜːrθ/ *n*

ارزش

Is this movie worth seeing? آیا این فیلم ارزش دیدن را دارد؟

yet /jet/ *conj, adv*

۱- با وجود این ۲- هنوز

It was cold last night, yet he didn't wear a coat.

دیشب هوا سرد بود با وجود این، او پالتو نپوشید.

واژگان کتاب‌کار

appreciate /ə'pri:ʃiət/ *v*

قدردانی کردن از، تقدیر کردن از

butter /'bʌtə \$ -ər/ *n*

کره

cage /keɪdʒ/ *n*

قفس

carry /'kæri/ *v*

۱- انتقال دادن، منتقل کردن ۲- بردن، حمل کردن

deserve /dɪ'zɜ:v \$ -ɜ:rɪv/ *v*

سزاوار ... بودن، لایق ... بودن

duty /'dju:ti \$ 'du:-/ *n*

وظیفه

end in /end 'ɪn/ *phr v*

منجر شدن به

end in failure

منجر به شکست شدن

failure /'feɪljə \$ -ər/ *n*

شکست، عدم موفقیت

feel honored

افتخار کردن

fridge /frɪdʒ/ *n*

یخچال

grateful /'ɡreɪtful/ *adj*

ممنون، سپاسگزار

grow /grəʊ \$ grəʊ/ *v*

۱- پرورش دادن، رشد کردن ۲- شدن

handle /'hændl/ *v*

از عهده ... برآمدن، اداره کردن، کنترل کردن

hence /hens/ *adv*

۱- از حالا ۲- بنابراین

a few years hence

چند سال بعد

inform /ɪn'fɔ:m \$ -ɔ:rm/ *v*

مطلع کردن، اطلاع دادن به، خبر دادن به

lack /læk/ *n*

عدم، فقدان

note /nəʊt \$ nəʊt/ *v, n*

۱- ذکر کردن، توجه کردن ۲- توجه، یادداشت

on one's own /əʊn \$ ɔ:n/

تنها، به تنهایی

parrot /'pærət/ *n*

طوطی

result /rɪ'zʌlt/ *n*

نمره، نتیجه

robber /'rɒbə \$ 'rɑ:bər/ *n*

دزد، سارق

share /ʃeə \$ ʃer/ *v*

۱- (تجربه و غیره) در میان گذاشتن ۲- شریک شدن

steal /sti:l/ *v*

دزدیدن

thus /ðʌs/ *adv*

بنابراین، در نتیجه

toy /tɔɪ/ *n*

اسباب بازی

umbrella /ʌm'brelə/ *n*

چتر

unconditionally /ʌnkən'dɪʃənəli/ *adv*

بدون قید و شرط

unreal /ʌn'reɪl/ *adj*

غیرواقعی

within /wɪð'ɪn/ *prep*

۱- در ۲- در داخل ۳- در ظرف

worthy /'wɜ:ði \$ 'wɜ:rði/ *adj*

سزاوار، لایق

هم‌نشین‌ها، هم‌آیندها (Collocations)

Collocation در فارسی به معنی «هم‌نشین» یا «هم‌آیند» است. «هم‌نشین» دو یا بیش از دو کلمه هستند که با هم میان و ترکیب این کلمات برای انگلیسی‌زبانان قابل قبول و معنی دارد. «هم‌نشین‌ها» ترکیب‌های درست و رایج در زبان انگلیسی هستند. به عبارتی به ما می‌گن که کدام کلمه‌ها می‌تونن در کنار هم قرار بگیرن. بنابراین حواستون باشه ما که انگلیسی‌زبان نیستیم نمی‌تونیم هر کلمه‌ای که به نظرمون درسته رو در کنار کلمه دیگه بیاریم و یک ترکیب بسازیم. ممکنه از نظر ما اون ترکیبی که درست کردیم، معنی دار باشه ولی ممکنه برای یه انگلیسی‌زبان ناآشنا، غیرعادی و غلط باشه. مثلاً کلمه fast و quick هر دو به معنی «سریع» هستن ولی فقط کلمه fast با food میاد بنابراین ترکیب «fast food» (غذای حاضری، غذای سریع) درست ولی «quick food» غلطه.

ترکیبات درست	ترکیبات غلط
fast food	غذای حاضری
quick food	غذای حاضری
quick meal	غذای حاضری
fast meal	غذای حاضری
strong wind	باد تند، باد شدید
heavy wind	باد تند، باد شدید
heavy rain	باران شدید
strong rain	باران شدید
make a mistake	اشتباه کردن
do a mistake	اشتباه کردن
do exercise	ورزش کردن
make exercise	ورزش کردن
read a newspaper	خواندن یک روزنامه
study a newspaper	خواندن یک روزنامه
hard of hearing	سنگین گوش
difficult of hearing	سنگین گوش
sit on the sofa	روی کاناپه نشستن
sit at the sofa	روی کاناپه نشستن

توجه تمام هم‌نشین‌ها و ترکیب کلمات درس رو در بخش هم‌نشین‌ها آورده‌ام.



فُتُب، الان وقتشه بدمونی از این همه لغتی که یاد گرفتیم چه نوع سوالایی از بخش واژگان میار. انواع سوالی بخش واژگان به صورت زیره:
 ۱- کلمه ناهماهنگ ۲- تصویر ۳- تعریف ۴- چورکردنی ۵- دانش واژگانی ۶- تست ۷- هم نشین ۸- مترادف و متضاد
 بخش‌های (۱) تا (۵) انواعی از سوالات واژگانه که تاکنون در امتحانات هماهنگ کشوری استفاده شده و بخش‌های (۶) تا (۸) در امتحانات مدارس و نوبت اول استفاده شده ولی ممکنه در سال‌های آینده در امتحانات نهایی هم مورد استفاده قرار بگیره.

۱ **کلمه ناهماهنگ** < در این قسمت، سه کلمه از لحاظ معنی یا نوع کلمه (اسم، فعل، صفت و قید بودن) با همدیگه هماهنگن و یکی متفاوته.

Jobs	مشاغل	Positive Adjectives	صفات مثبت	Negative Adjectives	صفات منفی
physician	پزشک	loving	مهربان، بامحبت	angry	عصبانی
nurse	پرستار	kind	مهربان	cruel	بی‌رحم، ظالم
author	نویسنده	friendly	صمیمی، مهربان	lazy	تنبیل
inventor	مخترع	polite	مؤدب	rude	بی‌ادب
worker	کارگر	helpful	مفید، کمک‌کننده	nervous	عصبی، نگران
poet	شاعر	peaceful	آرام، ساکت	selfish	خودخواه
scientist	دانشمند	calm	آرام	careless	بی‌دقت
astronaut	فضانورد	comfortable	راحت	shy	خجالتی
Protect	محافظت کردن از	Generation	نسل	Products	محصولات
look after	مراقبت کردن از	grandparents	پدربزرگ و مادربزرگ	light bulb	لامپ
care for	مراقبت کردن از	parents	والدین، پدر و مادر	camera	دوربین
take care of	مراقبت کردن از	children	بچه‌ها	smartphone	گوشی هوشمند
take care	مراقب بودن	grandchildren	نوه‌ها	dishwasher	ظرف‌شویی
be careful about	مراقب ... بودن	elders	بزرگ‌ترها	microwave oven	مایکروویو
watch out	مراقب بودن	teenagers	نوجوانان	sofa	کاناپه
look out	مراقب بودن			vase	گلدان

مثال: گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید.

1. a) cancer b) hearing c) flu d) heart attack
 2. a) lovingly b) quietly c) calmly d) angrily

پاسخ: ۱- گزینه «b» hearing به معنی «شنوایی» است ولی بقیه به ترتیب «سرطان - آنفلوآنزا - سگته قلبی» بیماری هستند.

۲- گزینه «d» angrily به معنی «با عصبانیت» به قید منفیه، ولی بقیه به ترتیب «با مهربانی - به آرامی، بی‌سر و صدا - به آرامی» قیدای مثبت هستند.

۲ **تصویر** < سؤال تصویر به دو صورت می‌تونه طرح بشه:

۱- هر تصویر رو باید به جمله مربوط به اون وصل کنین.

۲- با توجه به تصویر باید جمله‌های ناقص رو کامل کنین.

مثال: هر تصویر را به جملات داده شده وصل کنید. (یک جمله اضافی است).



1.
 2.
 3.
 4.

- a Don't shout at your little sister. b We donated some clothes to charity.
 c My little sister is sitting on my mother's lap now. d He hugged his children and said goodbye.
 e We have to take care of elderly people.

- ۱- پاسخ (c) خواهر کوچکم الان بر روی پای مادرم نشسته است.
 ۲- (d) او فرزندانش را در آغوش گرفت و خداحافظی کرد.
 ۳- (b) ما تعدادی لباس به مؤسسه خیریه اهدا کردیم.
 ۴- (a) سر خواهر کوچکت داد نزن.



مثال به تصاویر نگاه کنید و جملات زیر را کامل کنید.

1. We learned that Columbus d_____ America in 1492.
 2. I was taught to respect my e_____.

- ۱- پاسخ discovered ما یاد گرفتیم که کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ آمریکا را کشف کرد.
 ۲- elders به من یاد دادند تا به بزرگ‌ترهایم احترام بگذارم.

۳ تعریف < با توجه به این‌که کتاب درسی در هر درس، ۵ تا ۸ کلمه رو تعریف کرده و برای اونا مثالی هم آورده، اهمیت این قسمت مشفمه. پس لطفاً تمرین تعریف این کتاب رو با دقت بفرستین. تعریف‌های این جدول هم مومن و ممکنه از اینا هم سوال بیاد.

a long, soft seat for more than one person	صندلی دراز و نرم برای بیش از یک نفر	sofa	کاناپه
a drop of water that comes from your eyes when you cry	قطره‌ای از آب که وقتی گریه می‌کنید از چشمان شما می‌آید	tear	اشک
to find or learn something for the first time	پیدا کردن یا یاد گرفتن چیزی برای اولین بار	discover	کشف کردن
ready and happy to do something	آماده و خوشحال برای انجام دادن کاری	willing	مایل، مشتاق
advice about how to do something	توصیه‌ای در مورد نحوه انجام کاری	guideline	توصیه
behavior that is kind and generous	رفتاری که محبت‌آمیز و سخاوتمند است	kindness	مهربانی
something that you have and is good or helpful	چیزی که شما دارید و خوب یا مفید است	blessing	نعمت
things from a society's past that people think are valuable	چیزهایی از گذشته یک جامعه که مردم فکر می‌کنند باارزش هستند	heritage	میراث
ideas about what is right and wrong	ایده‌هایی در مورد آن‌چه درست و اشتباه است	morals	اصول اخلاقی
rules that people use to decide what is right and wrong	اصولی که افراد استفاده می‌کنند تا تصمیم بگیرند چه چیزی درست و اشتباه است	ethics	اصول اخلاقی

دو نوع سوال تعریف داریم؛ ۱- وصل کردنی ۲- به صورت جمله

مثال ستون A و B را به هم وصل کنید. (در ستون B دو مورد اضافی است.)

A

1. to take care of a child until they are grown up
 2. to look after somebody who is sick, very old, etc.

B

- a be born
 b care for
 c bring up
 d behave

- ۱- پاسخ bring up [کودک] بزرگ کردن) مراقبت کردن از بچه تا بزرگ شود
 ۲- care for (مراقبت کردن از) مراقبت کردن از کسی که بیمار، خیلی مسن و غیره است

مثال برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

A

1. She burst into tears when she saw her score.
 2. I've told Mohsen repeatedly to talk politely to his teachers.

B

- a in a quiet way
 b to cry suddenly
 c many times

- ۱- پاسخ (b) وقتی نمراتش را دید، زد زیر گریه. (ناگهان گریه کردن)
 ۲- (c) من بارها به محسن گفتم که با معلم‌هایش مؤدبانه صحبت کند. (چندین بار)

found	=	start	تأسیس کردن	distinguished	=	famous, well-known	معروف، مشهور
reply	=	answer	پاسخ دادن	elderly	=	old	مسن، پیر
lower	=	decrease	کم کردن، کاهش دادن	close	=	friendly	صمیمی
develop	=	produce, make	تولید کردن	ordinary	=	normal, usual	عادی، معمولی
record	=	write down	یادداشت کردن، نوشتن	enjoyable	=	pleasant	خوشایند، دلپذیر
boost	=	increase, raise	زیاد کردن، افزایش دادن	willing	=	ready	مایل، مشتاق، آماده
care for	=	look after, take care of	مراقبت کردن از	loving	=	kind, friendly	مهربان
poetry	=	poems	شعر	peaceful	=	quiet, calm	آرام، ساکت
author	=	writer	نویسنده	quietly	=	calmly	به آرامی
physician	=	doctor	پزشک، دکتر	donate	=	give	اهداء کردن، دادن
for instance	=	for example	برای مثال	lovingly	=	kindly	با مهربانی
solution	=	answer	پاسخ، جواب	keep	=	continue	ادامه دادن
regard	=	attention	توجه	terrible	=	bad	شدید، بد
principle	=	rule	اصل، قاعده، قانون	countless	=	many, lots of	خیلی زیاد
principles	=	morals, ethics	اصول اخلاقی	pause	=	stop	توقف کردن
guideline	=	advice	توصیه	sense	=	feeling	حس، احساس
regarding	=	about	درباره، در مورد	hence	=	so, thus, therefore	بنابراین

مترادف

ordinary	=	specific, special	خاص، ویژه	lower	=	increase, boost	زیاد کردن
elderly	=	young	جوان	boost	=	decrease, lower	کم کردن
quietly	=	aloud, loudly	با صدای بلند	keep	=	stop, give up	دست کشیدن از
countless	=	few	کم، بسیار کم	pause	=	start, begin	شروع کردن
terrible	=	nice, good	خوب	strength	=	weakness	ضعف، ناتوانی

متضاد

مثال متضادها یا مترادفها را پیدا کنید. (دو کلمه اضافی است.)

1. He didn't reply to my question.
2. They need to take action to boost sales.

- a lower
- b develop
- c shout
- d answer

reply = answer پاسخ دادن، جواب دادن

boost = increase, raise کم کردن، کاهش دادن، افزایش دادن، زیاد کردن

پاسخ ۱- answer او به سؤال پاسخ نداد.

۲- lower آن‌ها برای افزایش فروش باید اقدام کنند.

نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان

۱- با توجه به تصاویر داده شده، جملات زیر را بخوانید و جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (یک جمله اضافی است.)



1.
(نهایی فرداد ۱۴۰۰)



2.
(نهایی دی ۹۹)



3.
(نهایی دی ۹۹)



4.
(نهایی فرداد ۹۹)

- a. Taking people's temperature can help them fight the coronavirus.
- b. Dad really shouted at me when I didn't pass the exam.
- c. Hamid sits on the sofa and watches TV all the time.
- d. My little sister sits on my mother's lap all the time.
- e. I have kept a diary for twelve years.

۲- با توجه به تصاویر داده‌شده، جملات زیر را کامل کنید.

5. We have to speak louder, because my grandfather is of hearing. (نهایی فردار ۹۸)



6. My grandfather feeds the in the park every morning. (نهایی شهریور ۹۸)



7. This drug is used to l..... blood pressure.



۳- گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید.

- | | | | |
|----------------|----------------|---------------|--------------|
| 8. a) heritage | b) custom | c) generation | d) culture |
| 9. a) lower | b) increase | c) improve | d) boost |
| 10. a) moral | b) inspiration | c) ethic | d) principle |
| 11. a) create | b) develop | c) invent | d) destroy |

۴- برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

A

12. He always speaks slowly and calmly. (نهایی فردار ۱۴۰۰)
13. Mom forgave me for breaking the vase. (نهایی فردار ۱۴۰۰)
14. She agreed some parts of her personal diary to be published. (نهایی فردار ۹۸)
15. Students should appreciate their teachers for their help and kindness. (نهایی دی ۹۹)

B

- a be grateful for
- b a book that teaches you about something
- c to stop being angry with someone
- d in a quiet way
- e a book in which you record your thoughts and feelings

۵- تعریف ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

A

16. to increase the value or amount of something
17. moral beliefs that control or influence a person's behavior
18. all the people of about the same age within a society
19. the special work that a person or thing does
20. a lack of success in doing something
21. to put your arms around someone to show that you love them
22. the time when you are a child
23. to be worthy

B

- a boost
- b hug
- c failure
- d ethics
- e function
- f deserve
- g generation
- h grandchild
- i childhood

۶- با استفاده از کلمات داده‌شده، جمله‌های زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

repeatedly - recorded - forgive - appreciation - responsibility - discover - solution - distinguished - honored

24. Dr. Gharib was known as a university professor in our country. (نهایی فردار ۱۴۰۰)
25. Elders feel when we appreciate them. (نهایی فردار ۹۹)
26. I have told Mohsen to talk politely to his teacher. (نهایی شهریور ۹۹)
27. In the holidays it is Jim's to feed all the animals.

88. Did you know that sports play an important in social life?

- a) score b) pity c) sense d) role

89. I was hungry, and most, my children were hungry and tired.

- a) surprisingly b) lovingly c) importantly d) repeatedly

90. He had the to lend me his car when mine broke down.

- a) blessing b) strength c) inspiration d) kindness

91. Dr. Smith is very friendly and helpful to his patients. Not surprisingly, he is regarded as a/an physician.

- a) dedicated b) willing c) enjoyable d) ordinary

92. My parents told me that we should respect the

- a) peaceful b) elderly c) loving d) dedicated

B Grammar

معلوم و مجهول / Active and Passive



Sombody cleans the office every day. (معلوم). کسی هر روز دفتر را تمیز می‌کند.

The office is cleaned every day. (مجهول). دفتر هر روز تمیز می‌شود.

Somebody cleaned the office yesterday. (معلوم). کسی دیروز دفتر را تمیز کرد.

The office was cleaned yesterday. (مجهول). دیروز دفتر تمیز شد.

❶ جمله معلوم جمله‌ای است که فاعل اون (انجام‌دهنده کار) معلومه و در ابتدای جمله میاد.

❷ جمله مجهول جمله‌ای است که فاعل اهمیت نداره و مفعول به جای اون در ابتدای جمله میاد.

برای تبدیل جمله معلوم به مجهول:

❶ مفعول جمله معلوم که به صورت اسم یا ضمیر مفعولیه و بعد از فعل میاد رو به صورت اسم یا ضمیر فاعلی به ابتدای جمله مجهول میاریم. پس در جمله مجهول بعد از فعل، مفعول نداریم. (راه تشخیص)

❷ فعل معلوم رو با توجه به زمان و مفعول، به صورت زیر به فعل مجهول تبدیل می‌کنیم:

(pp) قسمت سوم فعل + فعل to be

❶ اگه بخواین، می‌تونین فاعل که به صورت اسم یا ضمیر فاعلیه رو به صورت «ضمیر مفعولی / اسم + by» بعد از فعل بیارین.

جمله معلوم: They broke the window.

مفعول فعل معلوم

آن‌ها پنجره را شکستند.

جمله مجهول: The window was broken (by them).

فعل مجهول مفعول جمله معلوم

پنجره (توسط آن‌ها) شکسته شد.

نکته

دو نوع فعل داریم: ۱- فعل متعدی (گذرا) که بعد از اون مفعول میاد. ۲- فعل لازم (ناگذر) که بعد از اون مفعول نمیاد. برای تبدیل جمله معلوم به مجهول، اول باید مفعول رو به ابتدای جمله بیاریم، پس جمله‌ای که فعلش لازمه، مجهول نمی‌شه چون که مفعول نداره.

معلوم: They are fixing my car now.

مفعول فعل متعدی

آن‌ها الان دارند ماشینم را تعمیر می‌کنند.

مجهول: My car is being fixed now.

ماشینم الان دارد تعمیر می‌شود.

معلوم: They will travel to Shiraz next week.

فعل لازم قید مکان قید زمان

آن‌ها هفته آینده به شیراز سفر خواهند کرد.

فعل travel لازمه و مفعول نداره که به ابتدای جمله بیاد، پس این جمله مجهول نمی‌شه.

We can go out, if it stops raining.

۱- پاسخ اگر باران بند بیاید، می‌توانیم بیرون برویم.

فعل جمله‌ای که if دارد، حال ساده (stops) است پس فعل جمله دیگر باید آینده ساده (can go) باشد. (شرطی نوع اول)

We could go out, if it stopped raining.

۲- اگر باران بند می‌آمد، می‌توانستیم بیرون برویم.

فعل جمله‌ای که if دارد، گذشته ساده (stopped) است پس فعل جمله دیگر باید گذشته (could go) باشد. (شرطی نوع دوم)

۳- اگر پیتر، سیمون را دعوت نکند، به مهمانی‌اش نخواهم رفت. If Peter doesn't invite Simon, I won't go to his party.

فعل جمله‌ای که if ندارد، آینده ساده (won't go) است پس فعل جمله دیگر باید حال ساده (doesn't invite) باشد. (شرطی نوع اول)

۴- اگر پیتر، سیمون را دعوت نمی‌کرد، به مهمانی‌اش نمی‌رفتم. If Peter didn't invite Simon, I wouldn't go to his party.

فعل جمله‌ای که if ندارد، آینده در گذشته (wouldn't go) است پس فعل جمله دیگر باید گذشته ساده (didn't invite) باشد. (شرطی نوع دوم)

مثال شکل صحیح فعل‌های داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید سپس آن‌ها را به نوع دیگر (شرطی نوع اول یا دوم) تبدیل کنید.

1. If he goes to London, I very unhappy. (be)

2. If the weather so bad, we would go to the park. (not be)

3. You the test if you don't study hard. (not pass)

4. What would Sarah do if she her exams? (fail)

۱- پاسخ اگر او به لندن برود من خیلی ناراحت خواهم شد. If he goes to London, I will be very unhappy.

فعل جمله‌ای که if دارد، حال ساده (goes) است پس فعل جمله دیگر باید آینده ساده (will be) باشد. (شرطی نوع اول)

در شرطی نوع دوم، فعل جمله‌ای که if دارد، گذشته ساده (went) و جمله دیگر آینده در گذشته (would be) است.

اگر او به لندن می‌رفت من خیلی ناراحت می‌شدم. If he went to London, I would be very unhappy.

۲- اگر هوا خیلی بد نبود، ما به پارک می‌رفتیم. If the weather wasn't so bad, we would go to the park.

فعل جمله‌ای که if ندارد، آینده در گذشته (would go) است پس فعل جمله دیگر باید گذشته ساده (wasn't) باشد. (شرطی نوع دوم)

در شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که if دارد، حال ساده (isn't) و جمله دیگر آینده ساده (will go) است.

اگر هوا خیلی بد نباشد، ما به پارک خواهیم رفت. If the weather isn't so bad, we will go to the park.

۳- اگر سخت درس نخوانی، در امتحان قبول نخواهی شد. You won't pass the test if you don't study hard.

در شرطی نوع دوم، فعل جمله‌ای که if دارد، گذشته ساده (didn't study) و فعل جمله دیگر گذشته (wouldn't pass) است.

اگر سفت درس نمی‌خوانی، در امتحان قبول نمی‌شوی. You wouldn't pass the test if you didn't study hard.

۴- اگر سارا در امتحاناتش مردود می‌شد، چه کار می‌کرد؟ What would Sarah do if she failed her exams?

در شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که if دارد، حال ساده (fails) و جمله دیگر آینده ساده (will do) است.

اگر سارا در امتحاناتش مردود شود، چه کار خواهد کرد؟ What will Sarah do if she fails her exams?

کلاس خصوصی گرامر درس ۲

الان دقیقاً وقتشه ببینیم چه نوع سوالایی از قسمت گرامر میاد. هر دو گرامر را جداگانه بررسی می‌کنیم:

بندوصفی انواع سوالای بند وصفی به صورت زیره:

۱- تست ۲- کلمات به هم ریخته ۳- جمله ناقص ۴- ضمیر موصولی مناسب ۵- دانش گرامری ۶- اشتباه گرامری ۷- ترکیب دو جمله ۸- تصویر
بفش‌های (۱) تا (۴) انواعی از سوالات گرامره که تا الان در امتحانات هماهنگ کشوری استفاده شده و بفش‌های (۵) تا (۸) در امتحانات مدارس و نوبت اول استفاده شده ولی ممکنه در سال‌های آینده در امتحانات نوایی هم استفاده بشه.

تست ۱ دو نوع سوال همیشه طرح کرد پس دو نکته باید بلد باشین: ۱- با توجه به این‌که بعد از انسان در حالت فاعلی، who یا that و در حالت مفعولی who.

whom یا that ولی بعد از غیرانسان هم در حالت فاعلی و هم در حالت مفعولی، which یا that میاد، باید ضمیر موصولی مناسب رو انتخاب کنین.

۲- با توجه به این‌که بعد از ضمیر موصولی در حالت فاعلی، فعل میاد و هتماً باید فاعل رو حذف کرد ولی در حالت مفعولی بعد از ضمیر موصولی، فاعل میاد، و هتماً باید مفعول رو حذف کرد، باید ترکیب درست رو انتخاب کنین.

The boy who/that he helped Helen is my friend. پسری که به هلن کمک کرد، دوستم است.
فعل

The boy whom/who/that Helen helped him is my friend. پسری که هلن به او کمک کرد، دوستم است.
فاعل

مثال بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

- The people work in the office are very friendly.
a) what b) whom c) who d) which
- The flowers you gave to Aunt Sarah are beautiful.
a) whom b) which c) what d) who
- The man was Spanish.
a) whom I phoned him b) who I phoned c) who phoned d) which phoned you
- The camera yesterday takes great pictures.
a) which bought b) that he bought it c) whom he bought it d) which was bought

پاسخ ۱- گزینه «c» افرادی که در آن اداره کار می‌کنند خیلی صمیمی هستند.

اسم قبل از پای قالی، انسانه و بعد از پای قالی، فعل اومده پس ضمیر موصولی در حالت فاعلیه و ضمیر موصولی who یا that در رسته.

۲- گزینه «b» گل‌هایی که شما به عمه سارا دادید قشنگ هستند.

اسم قبل از پای قالی، غیرانسانه و بعد از پای قالی، فاعل اومده پس ضمیر موصولی در حالت مفعولیه و ضمیر موصولی which یا that در رسته. ضمیر موصولی در حالت مفعولی رو میشه حذف کرد.

۳- گزینه «b» مردی که من به او تلفن کردم اسپانیایی بود.

گزینه (a) غلطه چون بعد از ضمیر موصولی whom فاعل اومده یعنی در حالت مفعولیه ولی ضمیر مفعولی (him) حذف نشده. گزینه (c) غلطه چون ضمیر موصولی who در حالت فاعلیه ولی بعد از فعل متعدی phone، مفعول نیومده. گزینه (d) غلطه چون قبل از پای قالی، انسان اومده پس who یا that در رسته.

The man whom / who / that / - I phoned was Spanish. (حالت مفعولی) مردی که من به او تلفن کردم اسپانیایی بود.

The man who / that phoned you was Spanish. (حالت فاعلی) مردی که به شما تلفن کرد اسپانیایی بود.

۴- گزینه «d» دوربینی که دیروز خریده شد، عکس‌های عالی می‌گیرد.

نکته

در سوالای تستی ممکنه دو گزینه باشه که بعد از who یا which، فاعل یا فعل اومده باشه که از لحاظ ساختاری هر دو می‌تونه درست باشه. در چنین موردی به دو روش می‌تونیم پاسخ بدیم:

۱- آگه فعل متعدی باشه مثل فعل phone (تلفن کردن) باید بعد از اون مفعول (me) بیاد که در این مورد ضمیر موصولی در حالت فاعلیه:

The man who phoned me was Spanish. مردی که به من تلفن کرد اسپانیایی بود.

ولی آگه متعدی باشه و بعد از فعل، مفعول نیومده باشه، ضمیر موصولی تماماً در حالت مفعولیه چون در حالت مفعولی، مفعول حذف میشه.

The man who I phoned was Spanish. مردی که من به او تلفن کردم اسپانیایی بود.

۲- از روش مفهومی هم می‌تونیم پاسخ بدیم. در تست ۴، گزینه (a) غلطه چون camera نمی‌تونه در حالت فاعلی باشه (دوربین نمی‌تونه چیزی بفره پس نمی‌تونیم بگیم: دوربینی که فرید) ولی هواستون باشه بعرض فعل مجهول می‌تونه بیاد چون در مورد مجهول، فاعلی که دوربین رو فریده حذف شده (دوربینی که فریده شد توسط کسی) پس گزینه (d) درسته. دوربین نمی‌تونه چیزی رو بفره ولی در حالت مفعولی می‌تونیم بگیم: دوربینی که او فرید پس گزینه (which / that he bought) می‌تونه درست باشه ولی گزینه (b) غلطه چون در حالت مفعولی باید مفعول (it) حذف بشه.

کلمات به هم ریخته < موقع مرتب کردن، بعد از مرجع، ضمیر موصولی مناسب بیارین و آگه ضمیر موصولی در حالت فاعلی بود بعرض فعل ولی آگه در حالت مفعولی بود، بعرض اول فاعل بعد فعل بیارین. هواستون به مطابقت فاعل و فعل هم باشه، مثلن با «The man»، فعل has میاد.

مثال جمله‌های درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

1. the / car / employed / man / you / have / whom / has / a / red / .

2. I / not / opens / find / the / which / key / this / can / door / .

پاسخ ۱- مردی که شما او را استخدام کرده‌اید ماشین قرمز دارد. The man whom you have employed has a red car.

فعل فاعل ضمیر مرجع
موصولی

ضمیر موصولی whom در حالت مفعولیه پس بعرض فاعل میاد.

۲- من نمی‌تونم کلیدی که این در را باز می‌کند پیدا کنم. I can not find the key which opens this door.

فعل ضمیر مرجع
موصولی

مثال به تصاویر نگاه کنید و به سؤال‌ها پاسخ دهید.

1. What will happen if she takes off her coat?



2. What would you do if you didn't have any homework?



پاسخ ۱- اگر کتتش را در بیاورد چه اتفاقی خواهد افتاد؟

اگر کتتش را در بیاورد، سرما خواهد خورد.

۲- اگر هیچ تکلیفی نداشتی، چه کار می کردی؟

اگر هیچ تکلیفی نداشتم بسکتبال بازی می کردم.

If she **takes** off her coat, she **will catch** a cold.

If I **didn't have** any homework, I **would play** basketball.

اشتباه گرامری < در شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، باید **حال ساده** و فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، باید **آینده ساده** باشد. و در شرطی نوع دوم، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، باید **گذشته ساده** و فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، باید **آینده در گذشته** باشد. بر این اساس، باید فعلی که اشتباه به کار رفته رو اصلاح کنیم.

مثال اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.

1. If he surfs the Internet, he finds a lot of information about handicrafts.

2. If you would repair my bike, I would help you with the math homework.

3. Jane is living in a city. She wasn't happy if she lived in the country.

If he **surfs** the Internet, he **will find** a lot of information about handicrafts.

پاسخ ۱-

اگر او در اینترنت جست‌وجو کند، اطلاعات زیادی در مورد صنایع دستی پیدا خواهد کرد.

در شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که if دارد، **حال ساده** (surfs) و فعل جمله دیگر **آینده ساده** (will find) است.

If you **repaired** my bike, I **would help** you with the math homework.

۲-

اگر دوچرخه‌ام را تعمیر می کردید، در تکالیف ریاضی به شما کمک می کردم.

در شرطی نوع دوم، فعل جمله‌ای که if دارد، **گذشته ساده** (repaired) و فعل جمله دیگر **آینده در گذشته** (would help) است.

Jane is living in a city. She **wouldn't be** happy if she **lived** in the country.

۳-

جین در شهر زندگی می کند. اگر در روستا زندگی می کرد خوشحال نمی بود.

در شرطی نوع سوم، فعل جمله‌ای که if دارد، **گذشته ساده** (lived) و فعل جمله دیگر **آینده در گذشته** (wouldn't be) است.

نمونه سؤال‌های امتحانی گرامر

بند وصفی

۱- با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید.

134. bought / the students / which / their teacher / some / useful / suggested / books / .

(نوبتی فرداد ۹۹)

135. work / some workers / who / and teachers / in the village / there are / .

(نوبتی شهریور ۹۹)

136. famous / lives / the woman / professor / next door / is / who / a / .

(نوبتی فرداد ۹۸)

137. watching / bought / her father / is / the DVD / has / she / that / .

(نوبتی دی ۹۸)

138. talking / who / people / are / the / whom / you / were / to / ?

139. the / yesterday / which / were / over / written / letters / are / there / .

140. women / whom / John / garden / have / has / the / invited / a / big / .

۲- جمله‌های زیر را با استفاده از ضمیر موصولی مناسب **who**, **whom** یا **which** کامل کنید.

141. A doctor is a person (نویسندگی فرد را ۱۴۰۰)



142. An ostrich is a bird (نویسندگی فرد را ۱۴۰۰)



143. I bought a dictionary (نویسندگی شورویور ۱۴۰۰)



144. A cheetah is an animal (نویسندگی شورویور ۹۹)

145. A pigeon is a bird (نویسندگی فرد را ۹۹)

۳- جاهای خالی را با استفاده از **who**, **whom** یا **which** کامل کنید.

146. What's the name of the woman lives in that house?

147. The name of the student I interviewed was Mrs. Norris.

148. Why does he always wear clothes are too small for him?

149. I think everybody went to his birthday party really enjoyed it.

150. Everything I said was true.

151. The boy I saw last night was very rude.

۴- هر جمله را با استفاده از دانش گرامری خود کامل کنید.

152. The woman gave him the money was young.

153. What's the name of the movie you were talking about?

154. I don't like people never stop talking.

155. How much were the oranges you bought?

156. The men I met were very friendly.

157. Do you know anybody can play the piano?

۵- اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.

158. Have you seen the money whom was on the table?

159. I have a friend who he is very good at fixing cars.

160. I know somebody whom works in that store.

161. The man who you taught him German is going to retire next year.

162. She is the doctor I talked to her in the hospital.

163. A coffee maker is a machine makes coffee.

164. The bag who he is carrying is very big.

165. The monkeys which we saw them in the zoo were very funny.

۶- با استفاده از ضمایر موصولی، جمله‌های زیر را ترکیب کنید.

166. That is a bicycle. My brother bought the bicycle last month.

167. Do you know the florist? My mother is talking to her.

168. These are pictures. They have been taken by Sarah recently.

169. Helen took some pictures. Have you seen them?

170. I'm wearing shoes. They aren't very comfortable. The shoes

171. We invited some people to dinner. They didn't come. The people

278. Which sentence is grammatically WRONG?

- a) If you don't go to bed early, you'll get up late.
- b) John says he will work as a taxi-driver if he needs money.
- c) What would you do if you found a lot of money?
- d) If you had a mobile, will you call him?

C Conversation

Majid is going to choose a suitable dictionary for his English class. He is talking to his English teacher during the break.

Majid: Excuse me Mr. Iranmehr, I wonder if you could help me.

Mr. Iranmehr: Sure. How can I help you?

Majid: I'd like some information about a good English dictionary.

Mr. Iranmehr: Oh, well. Have you ever used a dictionary?

Majid: Actually, I haven't. But I've heard that using a good dictionary could really help me learn English better.

Mr. Iranmehr: That's right. First, I recommend a learner's dictionary.

Majid: What is a learner's dictionary?

Mr. Iranmehr: It is designed for foreign students. It also helps them learn English better.

Majid: Is there only one type of it?

Mr. Iranmehr: No, in fact dictionaries have different types, levels, and sizes.

Majid: What type do you suggest?

Mr. Iranmehr: I suppose a monolingual dictionary is more suitable for you, because you can find word information in English.

Majid: And what about levels?

Mr. Iranmehr: Well, there are usually three levels: elementary, intermediate and advanced. For you as a high school student, an elementary one is OK.

Majid: Do I need a small size one?

Mr. Iranmehr: Yes, a pocket dictionary. You can carry it wherever you go.

Majid: Oh, it's very good. And hmm..., is it expensive?

Mr. Iranmehr: No, such dictionaries are not expensive. By the way, you could use a free online dictionary, too. And also there are some free dictionaries for PCs and apps for smart phones.

Majid: Thanks, that's a good idea, but I'd like to use a pocket dictionary!


A Choose the correct answer.

گزینه درست را انتخاب کنید.

279. Majid's English teacher advised him to buy a/an dictionary.

- a) English-Persian
- b) intermediate
- c) English
- d) bilingual

280. According to the conversation, Majid is not going to get a/an dictionary.

- a) monolingual
- b) online
- c) learner's
- d) pocket

281. According to the conversation, which one is TRUE?

- a) Majid has had some dictionaries before.
- b) There is only one type of dictionary.
- c) Majid asked his English teacher to buy him a suitable dictionary.
- d) A learner's dictionary is designed for foreign students.

B True or False?

درست یا نادرست؟

- 282. Majid talked to his English teacher after his class. A) True B) False
- 283. Majid's English teacher gave him some information about a good English dictionary. A) True B) False
- 284. Majid didn't know that using a good dictionary could help him learn English better. A) True B) False
- 285. Majid preferred a free online dictionary to a pocket one. A) True B) False

C Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

- 286. Did Mr. Iranmehr recommend him to buy a bilingual dictionary?
- 287. How many levels of dictionaries are there?
- 288. Why is monolingual dictionary more suitable?

D Reading

متن کتاب درسی

How to Use a Dictionary

A good dictionary gives the user information about words such as spellings, pronunciations and definitions. It also gives examples of how to use the words in sentences correctly. Therefore, it is essential to know how to use a dictionary. In this lesson, we provide you with some helpful tips on how use a dictionary effectively.

1. Choose the Right Dictionary. There are many different types of dictionaries such as learner's dictionaries, general dictionaries, picture dictionaries, etc. Therefore, first identify your needs. Without choosing the right dictionary you cannot meet your language needs.



2. Read the Introduction. The best way to learn how to use your dictionary effectively is to read its introduction. This section explains issues like how entries are arranged, what information is offered in entries and what abbreviations and pronunciation symbols are used throughout the entries.

3. Learn the Abbreviations. Different types of abbreviations are often used in the definitions for a word. This can be confusing if you do not know what the abbreviations stand for.

4. Learn the Guide to Pronunciation. If you immediately jump into using the dictionary without understanding the pronunciation guide, it can be difficult to figure it out.

5. Read the Guide Words. These are the two words at the top of each page that show the first and last entries on the page. These words will help you find the word you are looking for in the right letter section.

6. Read the Definitions. Once you find an entry, you can find the exact meaning of the word, its pronunciation, part of speech, synonyms, antonyms, and probably its origin.

7. Look for Collocations. Learning the meaning of a single word is not usually enough. Through sentence examples, try to learn 'words in combination' to expand your vocabulary.

A Choose the correct answer.

گزینه درست را انتخاب کنید.

289. According to the passage, are suitable for you to use.

- a) general dictionaries
- b) all types of dictionaries
- c) only learner's dictionaries
- d) just some dictionaries

290. Which one is not explained about in the introduction of a dictionary?

- a) arranging the entries
- b) the abbreviations are used throughout the entries
- c) the pronunciations of all entries
- d) information about entries

291. When we say "adj." stands for "adjective" actually we are talking about the

- a) pronunciation
- b) introduction
- c) abbreviation
- d) collocation

292. Which part of your dictionary helps you find the words easily?

- a) abbreviations
- b) collocations
- c) guide words
- d) entries

293. You can find the exact meaning of a word when you find its

- a) learner's dictionary
- b) entry
- c) part of speech
- d) origin

(نوبی شهرپور ۱۴۰۰)

Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

272. How can solar collectors collect heat?

(نوبتی فرداد ۱۳۰۰)

273. What are the different forms of energy?

274. In which paragraph the word "energy" is defined? Write the definition.

275. Why are fossil fuels harmful to the environment?

276. When is the demand for fossil fuels reduced?

277. How is solar energy generated?

کلاس خصوصی خواندن درس ۳

Reading Strategy

یادداشت‌برداری / (Note Taking)

- هنگام خواندن به متن، یادداشت‌برداری خیلی مهمه. یادداشت‌های خوب می‌تونه کمک کنه تا متنی که خوندین رو به خاطر بسپارین و دوره کنین.
- دستورالعمل‌های زیر برای یادداشت‌برداری پیشنهاد می‌شه.
- ۱- همه ایده‌ها، نکات و مثال‌های مهم رو در یادداشت خود بیارین.
- ۲- جمله کامل رو ننویسین بلکه فقط کلمات مهم اون رو بنویسین.
- ۳- از علائم اختصاری و نمادها استفاده کنین.
- شما می‌تونین یادداشت‌هاتون رو در حاشیه کتاب یا در یه ورقه بنویسین.
- برای مثال، یادداشت‌برداری از پاراگراف زیر می‌تونه به صورت زیر باشه:

To have a healthier lifestyle, people need to do certain things. First they should check their general health. Measuring blood pressure and heartbeat is the most important thing to do. They also need to check their family health history.

In this way, they understand if anyone in the family has had a special illness.

برای داشتن سبک زندگی سالم‌تر، افراد باید کارهای خاصی انجام بدهند. در ابتدا آن‌ها باید سلامت عمومی‌شان را چک کنند. اندازه‌گیری فشار خون و ضربان قلب مهم‌ترین کار برای انجام‌دادن است. آن‌ها هم‌چنین باید سابقه سلامت خانواده‌شان را بررسی کنند. بدین طریق، آن‌ها می‌فهمند که آیا کسی در خانواده بیماری خاصی داشته است.

Healthier lifestyle

1) checking general health: blood pressure and heartbeat

2) checking family health history

۱) چک کردن سلامت عمومی: فشار خون و ضربان قلب

۲) بررسی سابقه سلامت خانوادگی

نمونه سؤال‌های امتحانی خواندن

A: Reading Comprehension

Passage 1

(نوبتی فرداد ۹۹)

متن زیر را بخوانید و به سؤالات داده‌شده هر قسمت پاسخ دهید.

The research for new sources of energy has led into various ways. To produce any type of energy, the resources of the earth are used. The main resources of the earth are fossil fuels such as natural gas, oil and coal. Electricity is generated from coal, oil and natural gas, but the process has been proven to be expensive.

Experimental works are in progress to produce energy from other resources. Scientists and experts spared no pains to search for new ways of producing new source of energy. For instance, electricity has been produced with giant wind turbines. Geothermal power or the heat from the earth is also being tested to produce energy. Many societies are burning rubbish and other biological waste products to generate electricity. Not only changing unwanted products to gas or oil is a cheap way to produce energy, but also it is an effective way to get rid of waste.

Some experts expect service companies to expand hydroelectric power generated from streams and rivers. As an example, 50 years ago hydroelectric power provided one-third of the electricity used in the United States but today it includes only 4%. The oceans are another possible source of energy. Scientists are studying ways to change the energy of oceans' tides and waves into electricity. Experiments are also underway to make use of temperature differences in ocean water to produce energy. Clean energy resources are vastly respected, valued, and used all over the world to keep the environment clean. As a result, scientists try to introduce new types of energy resources called clean energy resources to nations of the world.

A Read the questions and choose the best choice.

278. Which is the best title for this passage?

- a) The use of waste products for energy b) The search for new sources of energy
c) Effective ways of producing hydropower d) New discoveries in geothermal power

279. Which of the following is not offered in the passage as a source of energy?

- a) Electrical power b) Clean energy c) Nuclear energy d) Hydroelectric power

B True / False

280. Changing waste products to gas or oil is an expensive way to generate energy, but it is very effective.

A) True B) False

281. Geothermal power is the heat from the Earth.

A) True B) False

C Answer the following questions.

282. What is hydroelectric power produced from?

283. What will happen if the nations of the world use clean sources of energy?

Passage 2

(نوبت شهریور ۹۹)

متن زیر را بخوانید و به سؤالات داده شده هر قسمت پاسخ دهید.

When early humans hunted and collected food, they could not control their environment. They could live in their environment like other animals. When humans learned to make fire, however, they became skillful at changing their environment. To provide themselves with fuel, they cut trees and made fires. Parts of forests were changed to lands to increase the growth of grass and to provide a greater area for the animals that humans ate as their food. This improvement ended in farming and also keeping animals as sources of human food. Fire also provided the means for cooking plants which were not used before. After meeting the simple need for food, early humans began to follow other goals such as founding the cities and living in larger groups.

A True/False

284. Early humans killed the animals and ate them as their food.

A) True B) False

285. Early humans discovered how to make fire.

A) True B) False

B Choose the best answer.

286. What does "they" in line 2 refer to?

- a) environments b) humans c) fires d) animals

287. What is this passage mostly about? It is about

- a) how animals were hunted b) the plants early humans ate
c) how to make fire d) the life of early humans

C Complete the following sentences.

288. Fire provided the for cooking plants which were not eaten before.

289. Finally, early humans began to follow other goals such as the cities.

Passage 3

(نوبت شهریور ۹۸)

متن زیر را بخوانید و گزینه صحیح را انتخاب کنید.

What do people need to light their homes and drive cars? Energy! Energy gives power to many things we need and use. Most of the energy people use comes from coal, oil, and gas. They are called fossil fuels. Those fuels come from fossils under the ground. Fossils are the remains of plants and animals that lived long ago. Burning fossil fuels pollutes the air. The air becomes dirty. That can be harmful to people, animals, and plants. Now more people are using clean energy. Such energy does not pollute the air. Two kinds of clean energy are wind power and solar power. Solar power: The sun gives Earth heat and light. Some homes have solar panels on the roof. The panels collect sun light and turn it into electricity. That is a kind of energy. It lets people do many things. For example, we use electricity to light our homes and watch television. Solar power can also be used to warm up the water in our homes. Wind power: People can turn wind energy into electricity. Wind turbines are machines that spin when the wind blows. They make electricity.

290. Where does most of the energy that people use come from?

- a) the wind b) plants c) fossil fuels d) the sun

291. What are two examples of clean energy?

- a) solar power and electricity b) wind power and solar power
c) fossil fuels and wind power d) electricity and fossil fuels

292. What is the main goal of using clean energy?

- a) to replace the sun and wind with man-made energy sources
b) to remove pollution from the air as quickly as possible
c) to stop destroying fossils from long ago
d) to create electricity without creating pollution

293. What is the closest synonym for the word "spin"?

- a) turn b) run c) fly d) climb

B: Cloze Test

Read the following passage and then choose the correct answer. متن زیر را بخوانید و سپس پاسخ درست را انتخاب کنید.

Did you know that the things nobody needs can be used to produce electricity, heat or fuel? Changing 294 to energy can be considered one of the most helpful ways to save the resources of the earth. Because garbage can be changed 295 into a liquid fuel, we can use it in cars, trucks, buses and airplanes. To do that, garbage should be collected and taken to a landfill by workers. People may be paid for voluntary garbage 296 as well. It is important to know that not all types of waste can be used to produce fuel. Some materials may 297 harmful gases in the process. Therefore, people should 298 this danger and warned about the possible harms.

294. a) wind b) waste c) fuel d) oil
295. a) quietly b) repeatedly c) finally d) directly
296. a) delivery b) action c) arrangement d) demand
297. a) deal with b) put back c) give off d) plug in
298. a) inform of b) be informed from c) inform about d) be informed of

E Writing

پاراگراف / Paragraph

یک پاراگراف از چند جمله تشکیل می‌شود که یک ایده اصلی را شرح میدن. معمولاً این ایده اصلی در «جمله عنوان» بیان می‌شود که اولین جمله پاراگرافه. به جمله‌های بعدی پاراگراف که به شرح و گسترش «جمله عنوان» می‌پردازن Supporting Sentences «جمله‌های پشتیبان» می‌گن و جمله آخر پاراگراف که ایده اصلی پاراگراف را خلاصه می‌کنه، Concluding Sentence «جمله نتیجه‌گیری» است. برخی پاراگراف‌ها «جمله نتیجه‌گیری» ندارن.

توجه: به طور خلاصه، هر پاراگراف از سه بخش تشکیل میشه:

1 Topic Sentence (جمله عنوان)

معمولاً «جمله عنوان» جمله اول هر پاراگرافه. گاهی اوقات «جمله عنوان» جمله آخر پاراگرافه. «جمله عنوان» ایده اصلی پاراگراف رو بیان می‌کنه و به خواننده می‌گه که پاراگراف در مورد چیه. تمام جملات بعد از «جمله عنوان» باید اون رو حمایت کنن.

2 Supporting Sentences (جمله‌های پشتیبان)

«جمله‌های پشتیبان» بعد از «جمله عنوان» میان. «جمله‌های پشتیبان» بدنه پاراگراف را تشکیل میدن. «جمله‌های پشتیبان» با ارائه دلیل، آوردن مثال و بیان داستان کوتاه، ایده «جمله عنوان» را توضیح، پشتیبانی و حمایت می‌کنن.

تمام «جمله‌های پشتیبان» باید مرتبط با ایده اصلی بیان شده در «جمله عنوان» باشن. جمله‌ای که ایده اصلی را پشتیبانی نمی‌کنه جزء پاراگراف نیست و باید حذف بشه. به این جملات «Not Supporting Sentences» یا «جملات بی‌ربط» می‌گن.

برای نظم‌دادن و به ترتیب نوشتن «جمله‌های پشتیبان» می‌تونین در ابتدای جمله‌ها از کلمات زیر استفاده کنین:

در آخر، در پایان Finally - سوم این‌که، سوماً Third / Thirdly - دوم این‌که، دوماً Second / Secondly - اول این‌که، اولاً First / Firstly

مثال: با استفاده از اطلاعات داده شده یک پاراگراف درباره شهید محمدحسین فهمیده در پاسخ نامه بنویسید. (نهایی فردار ۹۹)

Mohammad Hossein Fahmideh

Birth: May 6, 1967, Qom

Death: (Martyred) October 30, 1980, Khorramshahr

Job: Student

War: Iran - Iraq War, in Khorramshahr



پاسخ

Mohammad Hossein Fahmideh was born in Qom on May 6, 1967. He was an Iranian hero of the Iran-Iraq War. He was a 13-year-old student who left his home to go to Khorramshahr to defend his country against the enemy. He was martyred in Khorramshahr on October 30, 1980.

محمدحسین فهمیده در ششم ماه می در سال ۱۹۶۷ در قم به دنیا آمد. او یک قهرمان ایرانی جنگ ایران - عراق بود. او یک دانش آموز ۱۳ ساله بود که خانه اش را برای رفتن به خرمشهر به خاطر دفاع از کشورش علیه دشمن ترک کرد. او در ۱۳ اکتبر سال ۱۹۸۰ در خرمشهر به شهادت رسید.

نمونه سؤال های امتحانی نگارش

۱- پاراگراف های زیر را بخوانید و «جمله های پشتیبان» را مشخص کنید.

299. Vegetables and fruits are an important part of a healthy diet. First, fruits and vegetables contain the vitamins and minerals that are necessary for your body. In addition, they give you the carbohydrates you need for energy. Fruits and vegetables have lots of fiber to help your body work properly. Finally, many scientists believe that the nutrients in fruits and vegetables can help fight diseases. If you eat a diet rich in fruits and vegetables, you'll stay healthy.

300. Elephant is the largest animal to walk on Earth. An elephant can carry a load of 1200 pounds. They eat 300 pounds of food a day. An elephant baby can weigh 200 pounds at birth. Elephants can live up to 70 years.

۲- پاراگراف های زیر را بخوانید. زیر جمله ای که «جمله عنوان» را پشتیبانی نمی کند (Not Supporting Sentences)، خط بکشید.

301. The new century has brought big changes in communication. Cell phones are small enough to carry in your pocket. Students should not use cell phones in schools. Videophones let you see the person you are talking to on the phone. But some people do not have such phones. Tiny hand-size computers know your favorite subjects. The Internet is everywhere.

302. The students in the class come from many different parts of the world. Some are from European countries, such as France, Spain, and Italy. Others are from Middle Eastern countries like Saudi Arabia and Egypt. Other students were born in Asian countries, including Japan and Korea. Korean food is delicious. The largest number of students is from Latin American countries like Mexico, Venezuela and Peru. The class is an interesting mix of people from many different countries.

۳- پاراگراف های زیر را بخوانید و زیر «جمله نتیجه گیری» خط بکشید.

303. Horses are farm animals. They are usually black, grey, white and brown in color. They carry people and goods from one place to another. They have long legs, which are very strong. They can easily run long distances. Horses usually move in herds. They live in a stable. They are very useful farm animals.

304. Fruit is a healthy and tasty food. Fruits have a good taste. They are really delicious. Examples of fruits are apples, oranges and bananas. Fruits have many vitamins and minerals, including Vitamin C, Vitamin E, and Potassium. For these reasons, it is a good idea to eat lots of fruit.

۴- جملات زیر مربوط به سؤالات ۳۰۵ تا ۳۱۰ در پاسخ نامه است که شکل درهم ریخته یک پاراگراف است. جملات را با دقت بخوانید و با توجه به اجزای یک پاراگراف، جملات را مرتب کنید. (نهایی فردار ۱۴۰۰)

305.

a In short, communication can depend on technology.

306.

b Most of these cell phones can help you have video calls.

307.

c The new century has brought big changes in communication.

308.

d But some people do not have such phones

309.

e because they are very expensive.

310.

f Cell phones are important in these changes.

۱۰- یک پاراگراف با عنوان Wind towers در پاسخنامه بنویسید و از تمام موارد ذیل در آن استفاده کنید. پاراگراف باید شامل «Topic Sentence»، «Supporting Sentences» و «Concluding sentence» باشد.

(نهایی فرداد ۹۹)

- In Yazd's buildings
- Natural air cooling system
- Source of clean energy



329. Wind towers

۱۱- یک پاراگراف با عنوان Having a healthy lifestyle در پاسخنامه بنویسید و از تمام موارد ذیل در آن استفاده کنید. پاراگراف باید شامل «Topic Sentence»، «Supporting Sentences» و «Concluding Sentence» باشد.

(نهایی شهریور ۹۹)

330.

- Eat fewer snacks
- Eat more fruit and vegies
- Be more active

۱۲- یک پاراگراف با عنوان Save our Earth در پاسخنامه بنویسید و از تمام موارد ذیل در آن استفاده کنید. پاراگراف باید شامل «Topic Sentence»، «Supporting Sentences» و «Concluding Sentence» باشد.

(نهایی فرداد ۹۸)

331.

- Plant trees
- Use less fossil fuels
- Increase the use of solar and wind energy
- Change waste to energy

۱۳- یک پاراگراف با عنوان smoking در پاسخنامه بنویسید و از تمام موارد ذیل در آن استفاده کنید. پاراگراف باید شامل «Topic Sentence»، «Supporting Sentences» و «Concluding Sentence» باشد.

(نهایی شهریور ۹۸)

332.

- causing diseases such as lung cancer
- increasing stress and depression
- a common terrible habit among people
- being addictive and difficult for smokers to quit

۱۴- با استفاده از اطلاعات داده شده، یک پاراگراف درباره ابوعلی سینا در پاسخنامه بنویسید.

(نهایی دی ۹۸)

333.

Birth: 359 Shamsi, Bokhara

Job: scientist, physician, philosopher

Books: Ghanoon in medicine, Shafa in philosophy

Death: 419 Shamsi, Hamedan

Avicenna was one of the most famous Iranian

F Listening

توجه: دانش آموزان عزیز، پیشنهاد می‌کنم قبل از پاسخ‌گویی به نمونه سؤال‌های امتحانی شنیداری به کلاس خصوصی درس اول مراجعه کنید.



نمونه سؤال‌های امتحانی شنیداری



لطفاً برای دانلود فایل‌های صوتی این بخش، QRcode روبه‌رو را اسکن کنید.

۱- دانش آموزان عزیز، در این قسمت شما شش سؤال را خواهید شنید. هر سؤال سه‌بار تکرار خواهد شد و پس از شنیدن هر سؤال به شما فرصت داده خواهد شد که پاسخ خود را برای سؤال‌های ۳۳۴ تا ۳۳۹ در پاسخنامه بنویسید.

334.

(نهایی فرداد ۹۸)

335.

(نهایی فرداد ۹۸)

336.

(نهایی شهریور ۹۸)

337. (نهایی دی ۹۸)
338. (نهایی دی ۹۸)
339. (نهایی دی ۹۸)

۲- دانش‌آموزان عزیز، در این بخش به مکالمه بین شیلا و سمیرا گوش دهید، سپس گزینه صحیح (True) یا غلط (False) را انتخاب کنید.
(نهایی فردا ۱۴۰۰)

340. They went to the museum on Wednesday. A) True B) False
341. Samira has been to the museum of Holy Defense twice. A) True B) False
342. They stayed with Samira till midnight. A) True B) False

۳- دانش‌آموزان عزیز، در این بخش به مکالمه بین پدر و پسر گوش دهید، سپس گزینه مناسب را انتخاب کنید.
(نهایی شهریور ۱۴۰۰)

343. What are the father and his son talking about?
a) food b) picnic c) drawing pictures
344. When they played volleyball, they had
a) taken some photographs b) eaten lunch c) had a barbecue

345. What did they do after eating lunch? After eating lunch, they
a) studied their lessons b) went home c) flew kites
- ۴- دانش‌آموزان عزیز، در این بخش به مکالمه بین امیر و رسول گوش دهید، سپس گزینه مناسب را انتخاب کنید.
(نهایی فردا ۱۴۰۰)

346. Rasoul and his family didn't go to the new restaurant last night because
a) it was expensive b) they didn't want to c) the restaurant was too far

347. They had gone to the new restaurant
a) last year b) the month before c) the weekend before

348. They all ordered for dinner.
a) fish and chips b) chicken with chips c) chicken with rice

349. Rasoul had never tasted their anywhere else before.
a) special sauce b) pomegranate sauce c) expensive sauce

۵- دانش‌آموزان عزیز، به فایل صوتی به دقت گوش دهید و سپس برای جمله صحیح True و برای جمله غلط False را انتخاب کنید.
(نهایی دی ۹۹)

350. He could get in the plane on time. A) True B) False
351. He had left his passport at home. A) True B) False
352. He didn't have to come back home. A) True B) False
353. He is always a forgetful person. A) True B) False

۶- دانش‌آموزان عزیز، به فایل صوتی به دقت گوش دهید و مکالمه زیر را با کلمه‌های صحیح کامل کنید.
(نهایی دی ۹۹)

Emad: Daddy, look at those big fans!

Father: They are actually wind turbines.

Emad: Wind turbines?

Father: Yes, wind turbines are used to produce electricity from wind power.

Emad: I know electricity can be produced from water and sunlight. How might it be 354 from wind?

Father: Well, a wind turbine works the 355 of a fan. Instead of using electricity to make wind, a turbine uses wind to make electricity. It is a type of 356 energy.

Emad: These wind turbines 357 me of what I read about using wind power in Yazd's buildings.

۷- دانش‌آموزان عزیز، به فایل صوتی به دقت گوش دهید و سپس به سؤالات به شکل خواسته شده پاسخ دهید.
(نهایی شهریور ۹۹)

A: Do you play any sports, Nick?

B: Yes, I love playing sports. But my favorite sport is 358

A: Really? Are you on a 359

B: Yes, I am. It is a lot of 360

A: How often do you 361

- ۲۴- (e) آن کارخانه رودخانه را آلوده کرد. (کشیف کردن آب، هوا و غیره)
- ۲۵- (a) همه شیر را تمام نکن، مقداری برای صبحانه نیاز داریم. (تمام کردن چیزی)
- ۲۶- (h) گیاهان دی اکسید کربن را جذب می کنند. (به داخل آوردن چیزی (جذب کردن چیزی)، به خصوص به تدریج)
- ۲۷- (d) تقاضا برای غذای ارگانیک دارد افزایش می یابد. (مقداری از یک محصول یا خدماتی که مردم می خواهند)
- ۲۸- (f) ما می توانیم بعضی از کاناپه ها را به یک تخت تبدیل کنیم. (تغییر دادن در شکل یا ماهیت)
- ۲۹- (g) هیچ کس نمی تواند برای همیشه زنده بماند. (برای همیشه)
- ۳۰- (tide (جزر و مد) بالا آمدن و پایین آمدن سطح دریا
- ۳۱- (remind (به یاد کسی آوردن) کمک کردن به شخصی برای به یاد آوردن چیزی
- ۳۲- (cost (هزینه) پولی که مجبورید برای چیزی بپردازید
- ۳۳- (provide (فراهم کردن، تأمین کردن) دادن چیزی به کسی که به آن نیاز دارد
- ۳۴- (air conditioner (دستگاه تهویه مطبوع) دستگاهی که هوا را خنک و خشک نگه می دارد
- ۳۵- (sight (بینایی) توانایی دیدن
- ۳۶- (generate (تولید کردن) تولید کردن چیزی مثل گرما یا برق
- ۳۷- (achieve (دست یافتن به، رسیدن به) به دست آوردن چیزی یا رسیدن به آن با سخت کار کردن
- ۳۸- (fossil نفت، زغال سنگ، گاز طبیعی سه سوخت فسیلی رایج هستند.
- ۳۹- (variety آن ها انواع فعالیت های تناسب اندام را انجام می دهند.
- ۴۰- (demand این روزها تقاضا برای غذای ارگانیک در حال افزایش است.
- ۴۱- (cooling بادگیرها سیستم های خنک کننده طبیعی هوا هستند و می توانند به جای دستگاه های الکتریکی تهویه مطبوع استفاده شوند.
- ۴۲- (consume برخی وسایل مثل ماشین لباسشویی و دستگاه تهویه مطبوع، برق زیادی مصرف می کنند.
- ۴۳- (apply اگر این شغل را می خواهید باید تا فردا برای آن درخواست بدهید.
- ۴۴- (result من از نتیجه امتحان ریاضی ام راضی هستم.
- ۴۵- (dreading او از آن امتحان می ترسد - او مطمئن است که قرار است رد بشود.
- ۴۶- (use up همه شیر را تمام نکن، مقداری برای صبحانه نیاز داریم.
- ۴۷- (overcome مردم از اتومبیل های دوگانه سوز برای حل مشکل شارژ اتومبیل های برقی استفاده می کنند.
- ۴۸- (replaced خواهر او به دقت بشقاب چینی را سر جایش در قفسه گذاشت.
- ۴۹- (provided ما برای خانواده های فقیر غذا و پوشاک فراهم کردیم. (پذیری را برای کسی فراهم کردن provide sb with sth)

- ۱- گزینه «c» coal به معنی «زغال سنگ»، منبع انرژی تجدیدناپذیره، ولی بقیه به ترتیب (آب - درخت - فورشید) منابع انرژی تجدیدپذیرن.
- ۲- گزینه «d» resource به معنی «منبع» است، ولی بقیه به ترتیب (آلودگی - زباله - زباله) از بهوت اضافی و منفی بودن با یکدیگر در ارتباطن.
- ۳- گزینه «a» generate به معنی «تولید کردن» در مقابل و متضاد بقیه (مصرف کردن - جذب کردن - هضم کردن) است.
- ۴- گزینه «c» organic به معنی ارگانیکه ولی بقیه به ترتیب (شیمیایی - هسته ای - جنبشی) انواع انرژی هستن.
- ۵- گزینه «a» wind به معنی «باد» منبع انرژی تجدیدپذیره ولی بقیه به ترتیب (گاز - نفت - زغال سنگ) منابع انرژی تجدیدناپذیرن.
- ۶- گزینه «c» turbine به معنی توربینه ولی بقیه به ترتیب (اشعه - نور فورشید - نور) با هم در ارتباطن.
- ۷- گزینه «b» source به معنی «منبع» است ولی بقیه به ترتیب (پشت با - بالکن - میاط) قسمتی از خانه هستن.
- ۸- (e) نفت، زغال سنگ و گاز طبیعی سه سوخت فسیلی رایج هستند.
- ۹- (b) توربین های بادی برای تولید برق از نیروی باد مورد استفاده قرار می گیرند.
- ۱۰- (d) بادگیر نوعی سیستم خنک کننده طبیعی هوا است.
- ۱۱- (a) پنل های خورشیدی، انرژی خورشید را به برق تبدیل می کنند.
- ۱۲- (wind turbines / turbines برعکس پنکه ها، توربین های بادی / توربین ها از باد برای تولید برق استفاده می کنند.
- ۱۳- (consume لامپ های جدید برق کمتری مصرف می کنند.
- ۱۴- (balcony «احمد، پدرت کجا است؟» «او در بالکن نشسته است و دارد چای می خورد.»
- ۱۵- (b) از تو حرکت از خدا برکت. فقط منتظر نباشید چیزهای خوب برای شما اتفاق بیفتد. برای رسیدن به اهداف خود سخت تلاش کنید.
- ۱۶- (e) یک دست صدا ندارد. وقتی دو نفر با هم همکاری می کنند به ایده های بهتری می رسند.
- ۱۷- (a) دو صد گفته چون نیم کردار نیست. فقط گفتن این که کاری را انجام خواهید داد زیاد ارزش ندارد. در واقع انجام دادن آن سخت تر است.
- ۱۸- (c) مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد. کسی که چند نوع موقعیت منفی را تجربه کرده است، سعی خواهد کرد از انجام همان اشتباه اجتناب کند.
- ۱۹- (d) از دل برود هر آن که از دیده برفت. شما به زودی افراد یا چیزهایی را که نمی بینید یا حاضر نیستند، فراموش می کنید.
- ۲۰- (b) کار نیکو کردن از پر کردن است. شما باید مهارتی را زیاد تمرین کنید تا در آن ماهر شوید.
- ۲۱- (a) باد آورده را باد می برد. هنگامی که شما سریع پولی را به دست می آورید، مثلاً با برنده شدن، سریع خرج کردن یا از دست دادن آن نیز آسان است.
- ۲۲- (b) آن کارخانه بیشتر کارگرانش را با روبات ها جایگزین خواهد کرد. (جای کسی یا چیزی را گرفتن)
- ۲۳- (c) من واقعاً تنوعی را که مغازه باید ارائه دهد دوست دارم. (انواع مختلف زیادی از اشیا یا افراد)



- ۷۸- **death** او هنگام تولد دخترش حضور داشت.
مرگ \neq تولد **birth**
- ۷۹- **forget** لطفاً یادم ببار تا در راه خانه مقداری نان بخرم.
فراموش کردن \neq فراموش کردن **forget** به یاد کسی آوردن **remind**
- ۸۰- **reached** او در کارش به موفقیت بزرگی دست یافت.
رسیدن به **achieve = reach**
- ۸۱- **slowly** تعداد زیادی از رسوم قدیمی به تدریج دارند از بین می‌روند.
آرام آرام، به تدریج **gradually = slowly**
- ۸۲- **provided** ما برای آن خانواده‌های فقیر غذا فراهم کرده‌ایم.
فراهم کردن، تأمین کردن **supply = provide**
- ۸۳- **destroy** توربین‌های بادی برای تولید برق استفاده می‌شوند.
از بین بردن، نابود کردن \neq تولید کردن **generate**
- ۸۴- **increase** ما مجبور بودیم برای فروختن خانه‌مان قیمت آن را کاهش بدهیم.
افزایش دادن، زیاد کردن \neq کم کردن، کاهش دادن **reduce**
- ۸۵- **گزینه «b»** دانشمندان دارند دنبال منابع جدید سوخت می‌گردند تا جایگزین منابع تجدیدناپذیر مثل نفت کنند.
- ۸۶- **گزینه «a»** هلن سخت کار کرد و سرانجام به هدف پزشک شدنش رسید.
- ۸۷- **گزینه «d»** به دست آوردن شغل‌ها سخت است، در نتیجه، جوانان زیادی دارند تحصیلاتشان را ادامه می‌دهند.
- ۸۸- **گزینه «a»** پزشکان معتقدند که آن بیماری علت‌های مختلفی دارد، نه فقط یک علت.
- ۸۹- **گزینه «c»** «تو همیشه در مورد اهمیت صدقه صحبت می‌کنی، ولی خودت هرگز کاری انجام نمی‌دهی. دو صد گفته چون نیم کردار نیست.»
- ۹۰- **گزینه «d»** کلاس شامل بچه‌هایی از کشورهای مختلف است.
- ۹۱- **گزینه «a»** وقتی رانندگی می‌کنید باید از قوانین ترافیک اطاعت کنید.
- ۹۲- **گزینه «c»** افرادی که مقدار زیادی چربی حیوانی مصرف می‌کنند، به احتمال زیاد دچار بیماری قلبی می‌شوند.
- ۹۳- **گزینه «c»** شما امروز صبح سی دلار در خیابان پیدا کردید و فوراً ظهر آن را خرج کردید. - با آورده را باد می‌برد!
- ۹۴- **گزینه «a»** دوستم تنبل و بی‌دقت بود. بنابراین به او گفته شد که از شرکت بیرون برود.
- ۹۵- **گزینه «c»** آدم‌ها و ربات‌ها می‌توانند در راحت‌تر کردن زندگی با هم همکاری کنند.
- ۹۶- **گزینه «b»** طراحی جدید آن ماشین قطعاً خیلی بهتر از طراحی قدیمی آن است.
- ۹۷- **گزینه «c»** «از دل برود هر آن‌که از دیده برفت» استفاده می‌شود برای گفتن این‌که اگر افراد چیزی یا کسی را برای مدتی نبینند، به زودی دست از فکر کردن در مورد آن‌ها برمی‌دارند.
- ۹۸- **گزینه «d»** فقط اگر هر شخصی تصمیم بگیرد برای مقابله با ایدز اقدام کند می‌توان جلوی آن را گرفت.
- ۹۹- **گزینه «a»** کارن هنوز از مادرش، کسی که او را وقتی یک دختر بچه بود رها کرد، خیلی خشمگین است.

- ۵۰- **warned** دکتر در مورد خطرات سیگار کشیدن به او هشدار داد.
در مورد چیزی به کسی هشدار دادن **warn sb of sth**
- ۵۱- **consists** غذای اصلی ژاپنی‌ها عمدتاً از برنج و ماهی تشکیل می‌شود.
از ... تشکیل شدن **consist of**
- ۵۲- **achieve** شما اگر سخت‌تر درس نخوانید، هرگز به چیزی نخواهید رسید.
- ۵۳- **sunlight** تو باید از چشمانت در برابر نور مستقیم خورشید محافظت کنی.
- ۵۴- **early / worm** اگر می‌خواهی موفق شوی، باید زودتر بیدار شوی و کار را شروع کنی. تو می‌دانی که: «سحرخیز باش تا کامروا باشی».
- ۵۵- **spoil** وقتی افراد خیلی زیادی سعی می‌کنند (کاری را) هدایت کنند گیج‌کننده است و منجر به نتایج بد می‌شود. شما می‌دانید که «آشپز که دوتا شد، آش شور می‌شود یا بی‌نمک».
- ۵۶- **sight / mind** همه فکر می‌کنند که شما به زودی افراد یا چیزهایی را که نمی‌بینید یا حاضر نیستند فراموش می‌کنید، «از دل برود هر آن‌که از دیده برفت».
- ۵۷- **replace** آن کارخانه دو سال پیش توانست بیشتر کارگرانش را با روبات‌ها جایگزین کند.
- ۵۸- **pollute** ما نباید کارخانه‌ها را نزدیک رودخانه‌ها بسازیم، زیرا آن‌ها رودخانه‌ها را آلوده می‌کنند.
- ۵۹- **absorb** گیاهان دی‌اکسید کربن را از هوا جذب می‌کنند.
- ۶۰- **distance** من شنیدم که مسافت بین توکیو و آساکو حدود ۱۰ کیلومتر است.
- ۶۱- **materials** چوب و سنگ مصالح ساختمانی مفیدی هستند.
- ۶۲- **sources** منابع اصلی انرژی تجدیدپذیر باد، آب و خورشید است.
- ۶۳- **electricity** این دستگاه تهویه مطبوع، برق زیادی مصرف می‌کند.
- ۶۴- **decreased / reduced** تعداد کارمندان از ۳۰ به تنها ۲۲ نفر کاهش یافته است.
- ۶۵- **gives** اگر سوخت‌هایی مثل زغال سنگ، نفت و گاز را بسوزانیم، گازهای مختلفی متصاعد می‌کند.
- ۶۶- **used** او تمام پولی که دوستش به او قرض داده بود را تمام کرد.
- ۶۷- **(f)** جزر **low tide**
- ۶۸- **(d)** به طور خلاصه، خلاصه کلام **in short**
- ۶۹- **(e)** هنگام تولد **at birth**
- ۷۰- **(i)** دیگر **no longer**
- ۷۱- **(b)** در نتیجه **as a result**
- ۷۲- **(a)** جایزه بردن **win a prize**
- ۷۳- **(c)** به هدف خود رسیدن **achieve your goal**
- ۷۴- **(h)** خوابیدن، به خواب رفتن **go to sleep**
- ۷۵- **includes** یک تیم بسکتبال از پنج بازیکن تشکیل می‌شود.
شامل ... بودن \neq شامل ... بودن **include = تشکیل شدن از، شامل ... بودن** **consist of**
- ۷۶- **uses up** این ماشین سوخت زیادی مصرف می‌کند.
مصرف کردن **consume = use up**
- ۷۷- **orbits** زمین به دور خورشید می‌چرخد.
به دور ... پرفرین **revolve around = orbit**



خلاصه گرامر

Sense of Appreciation 1

مجهول

برای تبدیل جمله معلوم به مجهول:

۱ مفعول رو به صورت (اسم یا ضمیر فاعلی) به ابتدای جمله بیارین.

۲ فعل رو به صورت (be + pp) مجهول کنین.

۳ در صورت نیاز، فاعل رو به صورت (ضمیر مفعولی / اسم + by) در آخر جمله بیارین.

پان (او) پنجره‌ها (آن‌ها) را شکست.

John (He) **broke** the windows (them).

فاعل فعل معلوم مفعول

The windows (They) **were broken** by John (him).

مفعول جمله معلوم فعل مجهول فاعل

پنجره‌ها (آن‌ها) توسط پان (او) شکسته شد.

افعال مجهول در زمان‌های مختلف:

حالی ساده	گذشته ساده	حالی استمراری	گذشته استمراری	آینده و وجهی	ماضی نقلی	ماضی بعید
am/is/are	was/were	am/is/are + being	was/were + being	will + be	has/have + been	had + been
(قسمت سوم فعل) + pp						

پرسش تأییدی

اگر جمله خبری، مثبت باشد، پرسش تأییدی به صورت منفی و مخفف ولی اگر جمله خبری، منفی باشد، پرسش تأییدی رو به صورت مثبت بنویسین:

Mary is an English teacher, isn't she?

ماری معلم انگلیسی است، این‌طور نیست؟

نکته

در جمله مثبت زمان حال ساده و گذشته ساده از فعل کمکی doesn't, don't و didn't استفاده کنین.	Tom likes fishing, doesn't he? آیا ماهیگیری را دوست دارد، این‌طور نیست؟
کلمات (not, never, no, nobody, nothing) جمله رو منفی می‌کنن.	She read a novel, didn't she? او یک رمان خواند، این‌طور نیست؟
	Jane never drinks tea, does she? جین هرگز چای نمی‌خورد، این‌طور نیست؟
this / that → it these / those → they	This isn't working, is it? این کار نمی‌کند، این‌طور نیست؟
there → there	There is no water, is there? هیچ آبی وجود ندارد، این‌طور نیست؟
I am not → am I I am → aren't I	I am the fastest of all, aren't I? من از همه سریع‌ترم، این‌طور نیست؟

ماضی بعید

ماضی بعید یا گذشته کامل (قسمت سوم فعل + had) برای بیان عملی به کار می‌ره که قبل از عمل دیگری در گذشته انجام شده باشه.

گذشته ساده + **before / when** + ماضی بعید

ماضی بعید + **after / when** + گذشته ساده

I **had brushed** my teeth **before** I **went** to bed.

قبل از این که بتوانم دندان‌هایم را مسواک زده بودم.

I **went** to bed **after** I **had brushed** my teeth.

بعد از این که دندان‌هایم را مسواک زده بودم، خوابیدم.

ماضی نقلی یا ماضی بعید؟

ماضی نقلی (حال کامل) (قسمت سوم فعل + **have / has**) برای بیان عملی به کار میره که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داره یا اثرش رو در زمان حال می‌بینیم. قید **before** در آخر جمله و حرف ربط **because**، هم با ماضی نقلی و هم با ماضی بعید به کار می‌ره. اگه فعل جمله اول، حال ساده بود، از ماضی نقلی استفاده کنین ولی اگه گذشته ساده بود، از ماضی بعید استفاده کنین. به عبارتی ماضی نقلی با حال ولی ماضی بعید با گذشته در ارتباطه.

before + ماضی نقلی + حال ساده	before + ماضی بعید + گذشته ساده
ماضی نقلی + because + حال ساده	ماضی بعید + because + گذشته ساده

I **am** hungry **because** I **haven't eaten** lunch.

من گرسنه‌ام چون ناهار نخورده‌ام.

I **was** hungry **because** I **hadn't eaten** lunch.

من گرسنه بودم چون ناهار نخورده بودم.

خلاصه نگارش

Sense of Appreciation 1

در جملات مرکب، دو جمله ساده با استفاده از حروف ربط **and, or, but** یا **so** به هم وصل میشن و باید قبل از اونا از ویرگول استفاده کنین.

He studied hard, **but** he didn't pass the exam.

او سخت درس خواند، اما در امتحان قبول نشد.

اگه فاعل در هر دو جمله یکی باشه می‌تونین فاعل جمله دوم و ویرگول را حذف کنین.

She finished her homework, **and** went to bed.

او تکالیفش را تمام کرد و به رختخواب رفت.

حواستون باشه در مورد **so** و **because** ترتیب اومدن جمله‌ها برعکس هم هستن:

I had a headache, **so** I couldn't go to the party.

من سردرد داشتم بنابراین نتوانستم به مهمانی بروم.

I couldn't go to the party, **because** I had a headache.

من نتوانستم به مهمانی بروم چون سردرد داشتم.

Look it up! 2

Topic Sentence «جمله عنوان» مهم‌ترین جمله پاراگرافه که ایده اصلی پاراگراف رو بیان می‌کنه. «جمله عنوان» اولین جمله پاراگرافه و گاهی

اوقات ممکنه جمله آخر پاراگراف باشه. هر «جمله عنوان» از دو قسمت تشکیل میشه:

1. topic. موضوع 2. controlling idea (ایده کنترل‌کننده)

موضوع در اصل عنوان کل پاراگرافه و قسمت دیگه، ایده‌ای در مورد موضوع رو بیان می‌کنه و می‌گه پاراگراف در مورد موضوع چی می‌خواد بگه.

Helping others lowers blood pressure.

کمک‌کردن به دیگران فشار خون را پایین می‌آورد.

موضوع

ایده کنترل‌کننده

Ostrich is a very large bird that runs very fast but cannot fly. شترمرغ یک پرنده فیلی بزرگ است که فیلی سریع می‌دود اما نمی‌تواند پرواز کند.

موضوع

ایده کنترل‌کننده

شماره	Kheilisabz.com	رشته: کلیه رشته‌ها	انگلیسی (دوازدهم)	نمونه امتحان نیم‌سال اول
ردیف	آزمون شماره (۱): تا اول بخش نگارش درس دوم	مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه		



برای دانلود فایل‌های صوتی این آزمون، QRcode رو به‌رو را اسکن کنید.

A. Listening

۱ به فایل صوتی با دقت گوش کنید و سپس به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۳

1. According to Amin, we need to consider just responsibility. A) True B) False

2. Why is Amin busy these days?

3. What does Behzad think about health?

۲ به فایل صوتی با دقت گوش کنید و سپس به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۲

4. According to the conversation, which one is NOT true?

a) There was a heavy rain. b) One of them was very tired.

c) They were going to play a game. d) They could play 'Smart Kid' with Sina.

5. They wanted to go to the park, but they couldn't go there because it was rainy. A) True B) False

۳ به فایل صوتی با دقت گوش کنید و سپس جاهای خالی را کامل کنید.

۳

Dr. Asadi is answering this important question: "why is it important to 6 for our elders?"

I think first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to give, how to 7, and how to accept. Second, elders have more knowledge and 8 than any one of us. They've come so far and they've learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom. But the most important thing is their 9We may or may not know of all the ups and downs they've faced in life but they've definitely gained experience that is worth 10 and learning from. Our elders may hide much pain from us because they don't want us to feel the pain, the least we can do is 11 them for all that they've gone through and learn from their insight into situations.

B. Vocabulary

۴ تصاویر را به جملات وصل کنید. یک جمله اضافی است.

۱



12.



13.



14.



15.


a) We have to take care of elderly people.

b) Air pollution is a serious problem in this country.

c) We can help many people by donating what they need.

d) We have to speak louder, because she is hard of hearing.

e) This monolingual dictionary has about 50,000 entries.

نمره	Kheilisabz.com	رشته: ریاضی فیزیک - علوم تجربی	زبان انگلیسی (دوازدهم)
ردیف	مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه		امتحان شماره (۳)
 <p>برای دانلود فایل‌های صوتی این آزمون، QRcode روبه‌رو را اسکن کنید.</p>			
Listening			
۱/۵	<p>دانش‌آموزان عزیز، در این بخش به مکالمه بین شیلا و سمیرا گوش دهید، سپس گزینه صحیح (True) یا غلط (False) را انتخاب کنید.</p> <p>1. They went to the museum on Wednesday. A) True B) False</p> <p>2. Samira has been to the museum of Holy Defense twice. A) True B) False</p> <p>3. They stayed with Samira till midnight. A) True B) False</p>		۱
۲	<p>دانش‌آموزان عزیز، در این بخش به مکالمه بین بیژن و مهران گوش دهید، سپس گزینه مناسب را انتخاب کنید.</p> <p>4. What did Mehran want to buy at first? He wanted to buy a) a new car b) some clothes c) a mobile phone</p> <p>5. Who Was in trouble? a) Bijan b) Mehran c) Mehran's friend</p> <p>6. Mehran couldn't tell him about the problem because a) it wasn't an emergency b) it was a secret c) he needed no money</p> <p>7. Bijan believed Mehran should help because a) "A friend in need is a friend indeed" b) "No pain no gain" c) "Easy come, easy go"</p>		۲
۲/۵	<p>دانش‌آموزان عزیز، در این بخش به مکالمه بین مریم و سارا گوش دهید، سپس به سؤالات به شکل خواسته شده پاسخ دهید.</p> <p>8. What was Sara doing in the bookstore? She was looking for a</p> <p>9. Maryam suggested a free dictionary and apps for PCs and phones.</p> <p>10. To access information about any, one should type the term into the box.</p>		۳
۳	<p>دانش‌آموزان عزیز، در این بخش به یک متن درباره «احترام به سالمندان» گوش دهید، سپس جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.</p> <p>Do you know why it is important to care for our elders? Because they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, and how to 11 others. Elders have more 12 and wisdom than any one of us. They've come so far and they've learned so much, that's why we should learn from that wisdom. But the most important thing is their experience. We may or may not know of all the ups and downs they've 13 in life but they have a lot of experience that is worth 14 and learning from. Our elders may hide much pain from us because they don't want us to 15 the pain, the least we can do is to 16 them for all that they've gone through and learn from their experience.</p>		۴

Teacher: Well. There are many helpful tips.

Student: Would you please tell some of them?

Teacher: Yes, certainly. Today I will talk about two of them. First, you should listen to others when they speak.

Student: But some people speak a lot.

teacher: I know. But again you should listen to them if you want to respect them. Second, you should value other people's opinions.

۱۳- **False** قول دادن به دیگران می تواند دنیای ما را جای بهتری برای زندگی کردن کند.

۱۴- **True** دانش آموز فکر می کند که بعضی از مردم زیاد حرف می زنند.

۱۵- **listen** اگر ما بخواهیم به دیگران احترام بگذاریم، ابتدا باید به حرف آن ها گوش دهیم.

۱۶- **«e»** آن کارخانه رودخانه را آلوده کرده است.

۱۷- **«d»** پدر بزرگم هر روز صبح در پارک به کیبوترها غذا می دهد.

۱۸- **«a»** لامپ های جدید برق کمتری مصرف می کنند.

۱۹- **«c»** من دور مدخل کلمه "purpose" در فرهنگ لغت خط کشیدم.

۲۰- **fossil** نفت، زغال سنگ، گاز طبیعی، سه سوخت فسیلی رایج هستند.

۲۱- **use up** همه شیر را تمام نکن، مقداری برای صبحانه نیاز داریم.

۲۲- **distinguished** دکتر قریب به عنوان یک استاد برجسته دانشگاه در کشور ما معروف بود.

۲۳- **«d»** من مقدمه را نخواندم و بلافاصله قسمت بعدی را شروع کردم. (ناگهان تصمیم به انجام کاری گرفتن)

۲۴- **«c»** مادر به خاطر شکستن گلدان من را بخشید. (عصبانی نبودن از کسی)

۲۵- **«b»** آن کارخانه بیشتر کارگرانش را با ربات ها جایگزین خواهد کرد. (جای کسی یا چیزی را گرفتن)

۲۶- **speak** فقط گفتن این که کاری را انجام خواهید داد زیاد ارزش ندارد. شما می دانید که «دو صد گفته چون نیم کردار نیست»

۲۷- **«b»** حمید حرف بدی نمی زند، این طور نیست؟

فعل **همله**، منفیه (**doesn't**) پس پرسش تأییدی باید مثبت باشه (**does**). در پرسش تأییدی فقط باید از ضمیر فاعلی (**he**) استفاده کنیم.

۲۸- **«d»** الف: او جمعه گذشته چه کار کرد؟ ب: او فیلمی را که خیلی جالب بود تماشا کرد.

اسم قبل از **بای قالی**، غیر **انسانه** و بعد از **بای قالی**، فعل **اومده**، پس ضمیر موصولی در حالت فاعلیه و ضمیر موصولی **which** یا **that** درسته.

۲۹- **«a»** الف: حدس بزن برای شام چه داریم؟ ب: برای شام ممکن است توسط آشپز سالاد ماهی درست شود.

فعل **make** (درست کردن) متعربه و باید بعد از اون مفعول بیاد (په پیزی را درست می کند؟ سالاد ماهی را) ولی مفعول (**A fish salad**) بعد از اون نیومده، بلکه به اول جمله رفته، پس جمله مجهوله و فعل مجهول (**may be made**) درسته.

Roya: We are going to the gym on Friday. Will you come with us, Mina?

Mina: hmm, I don't think so.

Roya: You don't like sport, do you?

Mina: Actually I don't know. I think it depends on the type of the sport.

Roya: You prefer team sport, don't you?

Mina: Well, it seems to be OK, but honestly I prefer less active sport like chess.

Roya: Oh, I see.

۱- **False** رويا روز شنبه به باشگاه خواهد رفت.

۲- **False** رويا به تنهایی به باشگاه می رود.

۳- **True** مینا با رويا به باشگاه نخواهد رفت.

۴- **True** مینا ورزش های کم تحرک تری، مانند شطرنج را ترجیح می دهد.

Amir: Why didn't you go to the new restaurant last night?

Rasoul: We didn't want to. We had already tried the food there the weekend before.

Amir: Really? Did you like the food?

Rasoul: That was OK. We all ordered chicken with rice. I had never tasted the special sauce anywhere else.

Amir: Was it pomegranate sauce?

Rasoul: No, it wasn't. I had already tasted pomegranate sauce at home.

Amir: Was it expensive?

Rasoul: I think it was cheaper than the food we had tried in other restaurant.

۵- **«b»** رسول و خانواده اش دیشب به رستوران جدید نرفتند، چون نمی خواستند بروند.

۶- **«c»** آن ها آخر هفته گذشته به رستوران جدید رفته بودند.

۷- **«c»** همه آن ها مرغ با برنج سفارش دادند.

۸- **«a»** رسول هرگز قبلاً سس مخصوص آن ها را هیچ جای دیگری امتحان نکرده بود.

۹- **around**

۱۰- **social**

۱۱- **land**

۱۲- **protect**

Teacher: Students, do you know respecting others can make our world a better place to live in?

Student: Yes, sure. But how can we show our respect to others?